

به نام اقايم سه گانه مقدس، هم ذات و جدائي ناپذير

پنجمين مجلس بازنگري نمايندگان تصويب مي نمايد:

بخش نخست

مقررات اساسي

فصل الف

شكل نظام سياسي

اصل يكم

۱- نظام سياسي يونان نظام جمهوري پارلماني است.

۲- اساس نظام سياسي، حاکميت مردم مي باشد.

۳- کليه قوا از مردم ناشي ميشوند و براي مردم و کشور وجود دارند، اين قوا به گونه اي که قانون مقرر مي کنند، اعمال مي گردد.

اصل دوم

۱- احترام به ارزشهاي انساني و حمايت از آنها، وظيفه اصلي دولت مي باشد.

۲- يونان، با پيروي از مقررات به رسميت شناخته شده بين المللي، در پي تقويت صلح و عدالت و توسعه روابط دوستانه ميان ملتها و دولتها مي باشد.

فصل ب

روابط کليسا و حکومت

اصل سوم

۱- مذهب رسمي يونان مذهب «کليساي ارتدکس شرقي مسيح» است. کليساي ارتدکس يونان، با به رسميت شناختن عيسي مسيح به عنوان رئيس آن مذهب، در اصول

عقاید به طور کامل با کلیسای بزرگ قسطنطنیه و هر کلیسای مسیحی دیگری که دارای همین اصول عقاید باشد، متحد است و مانند آنها، اصول مقدس حواریون، احکام شرعی شورای کلیسایی و سنتهای مقدس را اکیداً رعایت می‌کند. کلیسای ارتدوکس شرق مستقل بوده و تحت نظر شورای مقدس کلیسایی، متشکل از استنهای خدام و شورای مقدس دائمی کلیسایی، اداره می‌شود؛ این شورا از شورای مقدس کلیساییندشات می‌گیرد و به موجب منشور کلیسا و طبق مقررات فتوانامه اسقف اعظم مورخ ۲۹ ژوئن ۱۸۵۰ و حکم ۴ دسامبر ۱۹۲۸ شورای کلیسایی تشکیل شده است.

۲- نظام کلیسایی که در برخی از مناطق کشور وجود دارد، مغایر با مقررات بندپیشین نیست.

۳- متن «کتاب مقدس» بدون تغییر باقی می‌ماند. ترجمه رسمی متن آن به هر زبان دیگری، بدون تایید کلیسای ارتدکس شرقی مستقل یونان و کلیسای بزرگ مسیح قسطنطنیه ممنوع است.

بخش دوم

آزادیهای عمومی و حقوق اجتماعی

اصل چهارم

- ۱- کلیه اتباع یونان در برابر قانون مساویند.
- ۲- مردان و زنان یونان دارای حقوق و تعهدات مساویند.
- ۳- کلیه افرادی که طبق قانون شرایط لازم را برای تابعیت دارا هستند، شهروندان یونان می‌باشند. سلب تابعیت یونانی در صورت کسب اختیاری تابعیت دیگر یا برعهده گرفتن مسؤولیتی بر خلاف منافع ملی در یک کشور خارجی و طبق شرایط و روشهایی که به طور خاص در قانون پیش بینی شده است، مجاز می‌باشد.
- ۴- تنها شهروندان یونانی، به جز استثنائاتی که در قوانین مقرر شده است، حق داشتن مشاغل دولتی را دارند.

۵- شهروندان یونان به نسبت توان اقتصادی خود در هزینه های عمومی سهم می‌باشند.

۶- هر یونانی که توانایی حمل سلاح را داشته باشد، موظف است در موارد پیش‌بینی شده در قوانین، در دفاع از میهن شرکت کند.

۷- عناوین اشرافیت یا امتیاز به اتباع یونان داده نمی‌شود و به رسمیت نیز شناخته نمی‌شود.

اصل پنجم

۱- کلیه افراد حق دارند آزادانه در جهت کمال شخصیت خود گام بردارند و درحیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور شرکت داشته باشند، مشروط بر اینکه این امر به حقوق دیگران یا به ارزشهای اخلاقی لطمه وارد سازد به حریم قانون اساسی، تجاوز ننماید.

۲- زندگی، شرافت و آزادی کلیه افرادی که در خاک یونان زندگی می‌کنند، بدون هیچ تمایزی به لحاظ ملیت، نژاد، زبان و عقاید مذهبی یا سیاسی، از حمایت مطلق برخوردار است. موارد استثنایی پیش‌بینی شده در حقوق بین‌المللی، مجاز است. استرداد بیگانگانی که به دلیل اقدامشان در راه آزادی تحت تعقیب هستند، ممنوع است.

۳- آزادی فردی محترم است. هیچ کس نباید تعقیب، دستگیر، زندانی شود یا محدودیتهای دیگری بر وی اعمال گردد، مگر در موارد و شرایطی که قانون مقرر می‌کند.

۴- هر گونه اقدام اداری- فردی که آزادی نقل مکان یا اقامت آزادانه را در کشور ونیز آزادی خروج و ورود به آن را برای اتباع یونانی محدود نماید، ممنوع است. چنین اقداماتی را می‌توان در موارد استثنایی ضروری و صرفاً به منظور پیش‌گیری از ارتکاب اعمال جنایی، چنین اقداماتی را می‌توان با حکم دادگاه کیفری، همان گونه که در قانون پیش‌بینی شده است، به عمل آورد. در موارد خیلی اضطراری حکم مزبور می‌تواند پس از اخذ تدابیر اداری حداکثر ظرف سه روز بعد صادر گردد، در غیر این صورت تدابیر فوق بطور قانونی لغو می‌شود.

بیانیه تفسیری: ممنوعیت خروج از کشور برای افرادی که طبق اقدام دادستان عمومی به دلیل اتهامات کیفری تحت پیگرد قانونی هستند یا اعمال اقدامات لازم به منظور حمایت از سلامت

عمومي يا سلامت افراد بيمار، همان گونه كه در قانون پيش‌بيني شده است، مشمول ممنوعيتهاي بند ۴ نمي‌گردد.

اصل ششم

۱- هيچ كس را نمي‌توان بدون حكم مستدل قضايي دستگير يا زنداني نمود و اين حكم بايد در لحظه دستگيري يا بازداشت موقت به وي ابلاغ شود، مگر اينكه فرد در حين ارتكاب جرم دستگير گردد.

۲- فردي كه در حين ارتكاب جرم يا بر اساس حكم قضايي دستگير مي‌گردد، بايد حداكثر ظرف مدت ۲۴ ساعت از زمان دستگيري به قاضي تحقيق و پژوهش ارجاع شود، چنانچه دستگيري در خارج از حوزه قاضي تحقيق و پژوهش صورت گيرد بايد ارجاع فوق ظرف مدت لازم براي انتقال فرد بازداشت شده انجام پذيرد. قاضي تحقيق و پژوهش بايد ظرف سه روز از زمان حضور فرد بازداشت شده در دادگاه موظف استوي را آزاد يا حكم زنداني كردن او را صادر كند. بنا به درخواست فردي كه در دادگاه حاضر شده است، يا در موارد اضطراري كه فوراً به تاييد شوراي قضايي صلاحيتدار برسد، اين مدت زمان را مي‌توان دو روز تمديد كرد.

۳- چنانچه در هر يك از اين مهلتهاي مذكور تصميمي اتخاذ نگردد، نگهبان يا هرفرد ديگري، اعم از غير نظامي يا نظامي كه مسؤول بازداشت يا دستگيري فرد است، بايد بي‌درنگ وي را آزاد نمايد. به موجب قانون، تخطي كنندگان به دليل بازداشت غيرقانوني بايد مجازات شوند و هر گونه خسارت وارد آمده به فرد بازداشت شده را جبران نمايند و همانگونه كه در قانون پيش‌بيني شده است و لطومات روي وارده را به صورت نقدي جبران نمايند.

۴- حداكثر مدت را تا زمان محاكمه، قانون مشخص مي‌كند. اين زمان نبايد در مورد جنايات از يك سال و در مورد ساير جنحه‌ها از شش ماه تجاوز كند. در موارد كاملاً استثنائي، حداكثر زمان را مي‌توان به موجب تصميم شوراي قضايي صلاحيتدار به ترتيب تا شش و سه ماه افزايش داد.

اصل هفتم

۱- هيچ عملي نبايد جرم محسوب شود و هيچ گونه مجازاتي نبايد تحميل گردد، مگر اينكه قانوني كه پيش از ارتكاب عمل مجرا بوده است عناصر تشكيل دهنده آن را مشخص نمايد. مجازات در هيچ حالي نبايد سنگين‌تر از مجازات در زمان ارتكاب عمل تحميل گردد.

۲- شکنجه، آزار جسمی، صدمه زدن به سلامتی یا استفاده از خشونت‌های روانی، ونیز هر گونه لطمه به منزلت انسانی به موجب قانون ممنوع و قابل مجازات است.

۳- مصادره کلی اموال ممنوع است. برای جرایم سیاسی نباید مجازات اعدام تعیین‌شود، مگر اینکه جرم سنگین باشد.

۴- قانون، شرایط پرداخت خسارت را تعیین می‌کند، تحت این شرایط و پس از اخذ تدابیر قضایی، دولت خسارت اشخاصی که به طور غیر عادلانه یا غیر قانونی محکوم، یا به طور موقت بازداشت، یا به هر طریقی از آزادی فردیشان محروم شده‌اند، را جبران می‌کند.

اصل هشتم

هیچ کس نباید علی‌رغم میل باطنی‌اش از داشتن وکلی که قانون برای وی تعیین می‌کند محروم شود. تشکیل کمیته‌های قضایی یا دادگاه‌های فوق‌العاده تحت هر عنوانی ممنوع است.

اصل نهم

۱- محل اقامت فرد حریم اوست. زندگی فردی و خانوادگی افراد مصون است. هیچ اقامتگاهی نباید مورد بازرسی قرار گیرد مگر در موارد و به شکلی که قانون مشخص می‌کند و همواره این عمل باید در حضور نمایندگان قوه قضاییه صورت گیرد.

۲- تخطی کنندگان از مقررات فوق باید به موجب قانون به دلیل تجاوز به حریم‌خانه و سوء استفاده از قدرت مجازات شوند و خسارت کامل را به خسارت دیده بپردازند.

اصل دهم

۱- فرد یا افراد با رعایت قوانین کشور مشترکاً دارای حق ارسال عرض‌حال کتبی به مقامات مسؤول هستند، این مقامات باید طبق مقررات جاری اقدام عاجل به عمل آورند، و مطابق با مفاد قانون، پاسخ کتبی و مستدل به عرض‌حال دهنده بدهند.

۲- تعقیب قانونی عرض‌حال نویس به دلیل متضمن بودن احتمالی جرایم در عرض‌حال مجاز نیست، مگر پس از ابلاغ تصمیم نهایی مقام مسؤولی که عرض‌حال خطاب به وی داده شده و با اجازه او.

۳- مقام مسؤول در مورد درخواست اطلاعات، ملزم است در حدودی که قانون‌پیش‌بینی کرده است، پاسخ دهد.

اصل یازدهم

۱- اتباع یونان از حق تشکیل اجتماعات صلح‌آمیز و غیرمسلحانه برخوردارند.

۲- پلیس می‌تواند تنها در گردهمایی‌های عمومی در فضای باز حضور داشته باشد. اگر گردهمایی‌های خیابانی به طور کلی خطری جدی برای امنیت عمومی باشند و یا در منطقه‌ای خاص زندگی اجتماعی و اقتصادی را به طور جدی تهدید نمایند به موجب قانونی با حکم مستدل مقامات پلیس می‌توان ممنوعیت آن را اعلام کرد.

اصل دوازدهم

۱- اتباع یونان با رعایت قانون از حق تشکیل گردهمایی‌ها و مجامع دارای اهداف غیر انتفاعی، برخوردارند. این قوانین به هیچ وجه نمی‌توانند اعمال این حق را مشروط به مجوز قبلی نمایند.

۲- يك مجمع را نمی‌توان به دلیل تخطی از قانون یا از يك ماده اساسی اساسنامه اش منحل کرد، مگر به موجب حکم دادگاه.

۳- مقررات بند پیشین باید به شیوه‌ای مشابه در مورد گردهمایی‌هایی اتحادیه‌های شخصی که شکل مجمع را ندارند، رعایت گردد.

۴- قانون می‌تواند در مورد حق کارکنان دولت برای تشکیل مجمع محدودیت ایجاد کند. محدودیت در مورد این حق همچنین می‌تواند در مورد مأموران مناطق و استان‌های یا نمایندگان سایر اشخاص حقوقی مربوط به حقوق عمومی یا به مؤسسات دولتی برقرار گردد.

۵- تعاونی‌های کشاورزی و شهری از هر نوعی که باشند، توسط خود آنها بر طبق مقررات قانونی و اساسنامه‌شان اداره می‌شوند. این تعاونی‌ها تحت حمایت و نظارت دولت می‌باشند، دولت موظف به نظارت بر گسترش آنهاست.

۶- قانون می‌تواند تعاونی‌هایی با عضویت اجباری برای تحقق اهدافی در جهت منافع عمومی و مصالح کلی یا بهره‌برداری مشترك از زمین‌های زارعی یا دیگر منابع ثروت ایجاد نماید، مشروط بر اینکه حقوق برابر تمام اعضا تضمین گردد.

اصل سیزدهم

۱- آزادی اعتقادات مذهبی محترم است. برخورداری از آزادی‌های عمومی و حقوق مدنی به اعتقادات مذهبی فرد بستگی ندارد.

۲- کلیه مذاهب شناخته شده باید آزادند و آیین‌های آنها بدون ممانعت و تحت حمایت قانون انجام می‌پذیرد. انجام شعائر نباید به نظم عمومی یا اصول اخلاقی لطمه وارد کند. فراخواندن به کیش خود ممنوع است.

۳- روحانیون کلیه مذاهب شناخته شده باید همانند روحانیان مذهب رسمی تحت نظارت یکسان دولت بوده و نسبت به آن دارای تعهدات یکسان باشند.

۴- هیچ کس نباید به دلیل اعتقادات مذهبی از انجام تعهداتش نسبت به دولت معاف شود یا از اطاعت از قوانین امتناع کند.

۵- هیچ سوگندی تحمیل نمی‌گردد، مگر به موجب قانونی که عبارت آن را نیز مشخص نموده است.

اصل چهاردهم

۱- هر کس می‌تواند با رعایت قوانین کشور افکار خود را به طور شفاهی، کتبی و از طریق رسانه‌ها ابراز کند و به نشر آنها پردازد.

۲- مطبوعات آزاد هستند، سانسور و هر گونه اقدام دیگر ممنوع است.

۳- توقیف روزنامه‌ها و سایر نشریات قبل و بعد از انتشار ممنوع است. فقط به دستور دادستان عمومی استثنائاً توقیف به دلایل زیر مجاز است:

(الف) اهانت به مسیحیت و هر مذهب شناخته شده دیگر.

(ب) توهین به شخص رئیس جمهوری

(پ) انتشار مطالبی که اطلاعاتی در مورد ترکیب، تجهیزات و تشکیلات نیروهای مسلح یا استحکامات کشور فاش کند، یا هدفش سرنگونی نظام سیاسی با توسل به زور یا بر ضد تمامیت ارضی کشور باشد.

(ت) مقاله‌ای خلاف اخلاق که عفت عمومی را در مواردی که در قانون تصریح شده است، آشکارا خدشه دار کند.

۴- در کلیه موارد بند پیشین، دادستان عمومی باید ظرف ۲۴ ساعت از زمان توقیف، مورد را به شورای قضایی تسلیم نماید. این شورا ظرف ۲۴ ساعت بعد باید راجع به ادامه یا رفع توقیف حکم صادر نماید. در غیر این صورت، توقیف مزبور باید به موجب قانون برداشته شود. ناشر روزنامه یا دیگر مطبوعات توقیف شده و نیز دادستان عمومی می‌توانند.

۵- قانون شیوه رفع توقیف از نشریات متخلف تعیین می‌کند.

۶- پس از حداقل سه بار محکومیت در ظرف پنج سال به دلیل ارتکاب جرایم مندرج بند ۳، دادگاه باید دستور تعلیق دائمی یا موقت انتشار نشریه و در موارد حاد، ممنوعیت اشتغال به حرفه روزنامه‌نگاری را برای فرد محکوم به گونه‌ای که قانون مشخص کرده است، صادر نماید. حکم تعلیق یا ممنوعیت از تاریخی که حکم دادگاه غیر قابل برگشت می‌شود قابل اجراست.

۷- جرایم مطبوعاتی از نوع جرائم مشهود است و باید همانطور که در قانون پیش‌بینی شده است مورد رسیدگی قرار گیرد.

۸- شرایط و صلاحیت لازم برای اشتغال به حرفه روزنامه‌نگاری را قانون مقرر می‌نماید.

۹- قانون می‌تواند پیش‌بینی نماید که سرمایه‌گذاری اولیه روزنامه‌ها و مجلات ادواری باید دولتی شوند.

اصل پانزدهم

۱- مقررات اصل‌پیشین که مربوط به حمایت از مطبوعات می‌باشد، در مورد سینما، نوارهای ضبط صوت، رادیو، تلویزیون یا هر رسانه مشابه دیگری برای انتقال صدا یا تصویر قابل اجرا نیست.

۲- رادیو و تلویزیون تحت نظارت مستقیم دولت و هدف آنها پخش واقعی‌طرفانه اطلاعات و اخبار و نیز آثار ادبی و هنری است؛ سطح کیفی برنامه‌ها باید با در نظر گرفتن رسالت اجتماعی آنها و توسعه فرهنگی کشور تضمین گردد.

اصل شانزدهم

۱- هنر و دانش، پژوهش و آموزش آزاد و گسترش و ارتقای آنها جزء تعهدات دولت است. آزادی علمی و آزادی آموزش هیچکس را از وظیفه اطاعت از قانون اساسی معاف نمی‌کند.

۲- آموزش رسالت اساسی دولت و هدف آن آموزش و پرورش اخلاقی، فرهنگی، حرفه‌ای و جسمی یونانیان، تقویب آگاهی ملی و مذهبی، و تربیت شهروندانی آزاد و مسئول است.

۳- شمار سالهای آموزش اجباری نباید از ۹ سال کمتر باشد.

۴- کلیه اتباع یونان حق آموزش رایگان در کلیه سطوح در مؤسسات آموزش دولتی را دارا هستند. دولت به دانش‌آموزان و دانشجویان ممتاز و نیز به کسانی که براساس تواناییهای آنها به حمایت ویژه نیاز دارند کمک می‌کند.

۵- منحصرأ مؤسسات غیرمتمرکزی که اشخاص حقوقی محسوب می‌شوند می‌توانند عهده‌دار آموزش عالی شوند. این مؤسسات تحت نظارت دولت هستند و حق دریافت کمک مالی را دارند و بر اساس قوانین اساسنامه‌های سازمانی خود عمل‌کنند. ادغام یا انشعاب مؤسسات آموزش عالی می‌تواند حتی با اصلاح هر گونه مقررات مخالف همان گونه که در قانون پیش‌بینی شده، صورت گیرد.

قانون خاصی باید کلیه امور مربوط به انجمنهای دانشجویی و مشارکت دانشجویان در آنها را مقرر نماید.

۶- استادان مؤسسات آموزش عالي صاحب منصبان دولتي مي‌باشند. بقيه كاركنان آموزشي به همين نحو، طبق شرايطي كه در قانون مشخص شده است، وظائف دولتي بر عهده دارند. وضعیت تمام اشخاص مذکور را اساسنامه‌هاي سازمانی مؤسساتشان تعيين مي‌کند.

استادان مؤسسات آموزش عالي نبايد پيش از انقضاي قانوني دوره خدمتشان عزل يا اخراج گردند، مگر طبق شروط اساسي مقرر در بند ۴ اصل ۸۸ و نيز همان گونه كه در قانون مشخص شده است، در پي تصميم شورايي كه از اكثريت صاحب منصبان قضايي‌عالي‌رتبه آن تشكيل شده است.

قانون، سن بازنشستگي استادان مؤسسات آموزش عالي را معين مي‌کند؛ تا زمان انتشار چنين قانوني، استادان شاغل در پايان سال تحصيلي‌اي كه به سن ۶۷ مي‌رسند، مطابق قانون بازنشسته مي‌گردند.

۷- دولت، آموزش حرفه‌اي و هر نوع آموزش ويژه ديگر از طريق مدارس و براي يك دوره حداكثر سه ساله همانگونه كه در قانون به طور خاصي مقرر شده است را، فراهم مي‌کند؛ اين قانون همچنين حقوق براي فعاليتهاي حرفه‌اي فارغ التحصيلان اين مدارس را تعيين مي‌کند.

۸- قانون، شرايط و محدوديتهاي اعطاي پروانه تأسيس و اداره مؤسسات آموزشي غيردولتي و شهائي نظارت بر آنها و وضعیت قانوني كاركنان آموزشي آنها را معين مي‌کند.

ايجاد مؤسسات آموزش عالي توسط اشخاص خصوصي ممنوع است.

۹- ورزش تحت حمايت و نظارت عاليه دولت است.

دولت، همانگونه كه در قانون مقرر شده است، به كلييه اتحاديه‌هاي مجامع ورزشي كمك و آنها را كنترل مي‌نمايد. قانون، توزيع كمكها را هر بار بر اساس اهداف اتحاديه‌هاي دريافت كننده مقرر مي‌نمايد.

اصل هفدهم

۱- مالکيت تحت حمايت دولت است؛ اما اعمال حقوق ناشي از آن نبايد به منافع عمومي آسيب رساند.

۲- هيچ كس از حق مالکيتش محروم نمي‌گردد، مگر براي منافع عمومي كه بايد به درستي ثابت شود و بر طبق شرايط و به روشي كه قانون مشخص نموده است و هميشه بايد خسارت به طور كامل و مطابق با ارزش اموال مصادره شده در زمان رسيدگي دادگاه كه در مورد تعيين موقت خسارت وارده تشكيل مي‌شود، پيش پرداخت گردد. در مواردی كه درخواست تعيين قطعي ميزان خسارت مطرح

می‌گردد، ارزش ملک‌مصادره شده در زمان رسیدگی دادگاه به این درخواست باید مورد توجه قرار گیرد.

۳- هر گونه تغییری در ارزش اموال مصادره شده که پس از صدور حکم مصادره روی دهد و منحصرأً از آن ناشی شود، در نظر گرفته نمی‌شود.

۴- میزان خسارت را همیشه دادگاه‌های مدنی تعیین می‌کنند. دادگاه همچنین خسارت را می‌تواند پس از استماع نظرات یا احضار ذی‌نفع به طور موقت تعیین کند. دادگاه به تشخیص خود، وی را می‌تواند موظف کند که برای دریافت خسارت به‌روشنه‌ای مقرر در قانون وثیقه مناسب با آن ارائه کند.

پیش از پرداخت میزان خسارتی که دادگاه به طور قطعی یا موقتی تعیین کرده است کلیه حقوق مالک به طور کامل حفظ می‌شود چون تصرف در ملک مجاز نیست.

مبلغ تعیین شده خسارت حداکثر ظرف یک و نیم سال پس از اعلام تصمیم دادگاه در مورد تعیین موقت خسارت، باید پرداخت گردد و در صورت درخواست در مورد تعیین مستقیم خسارت قطعی، پس از اعلام حکم دادگاه مربوطه باید پرداخت گردد، در غیر این صورت مصادره به حکم قانون لغو می‌گردد.

چنین خسارتی از هر گونه مالیات، کسورات یا عوارضی معاف است.

۶- به منظور اجرای فعالیت‌هایی که در خدمت منافع عموم یا در اقتصاد کشور دارای اهمیت کلی هستند، قانون می‌تواند به نفع دولت سلب مالکیت مناطق وسیع‌تری را فراتر از مناطق مورد نیاز برای ساخت تأسیسات امکان پذیر سازد این قانون همچنین شرایط و ضوابط این نوع سلب مالکیت و نیز روش‌های در اختیار گرفتن و استفاده از آنها را برای اهداف عمومی یا خدمات عامه به طور کلی زمانی مناسب معین می‌کند.

۷- قانون می‌تواند در مورد اجرای فعالیت‌هایی که آشکارا در خدمت منافع عموم است، بدون پرداخت غرامت به دولت، اشخاص حقوقی حقوق عمومی، سازمان‌های حکومت محلی، سازمان‌های عام‌المنفعه و مؤسسات دولتی اجازه دهد، مشروط بر اینکه بهره‌برداری منظم از ملک مذکور با مانع مواجه نشود.

اصل هجدهم

۱- مالکیت و واگذاری معادن، شکارگاه‌ها، غارها، محوطه‌ها و گنج‌های باستانی، آب‌های معدنی، اعم از آب‌های جاری و زیرزمینی و ذخایر زیرزمینی به طور کلی به موجب قوانین خاصی مقرر می‌گردد.

۲- مالکیت و اداره مردابها، دریاچه‌های بزرگ و بهره‌برداری از آن، و نیز واگذاری کلی اراضی ناشی از عملیات زه کشی به موجب قانون مقرر می‌گردد.

۳- بهره‌برداری از موارد مربوط به التزام به ترك مايملك در راستای رفع احتیاجات نیروهای مسلح در حالت جنگ یا بسیج عمومی، یا برای مقابله با ضرورت فوری اجتماعی که ممکن است نظم یا سلامت عمومی را به مخاطره اندازد، به موجب قانون مقرر می‌گردد.

۴- یکپارچه نمودن اراضی کشاورزی با هدف بهره‌برداری بهینه از زمین، و نیز اتخاذ تدابیری در جهت جلوگیری از تقسیم زمین به قطعات كوچك یا ایجاد تسهیلات برای احیای مزارع كوچك روش مشخص شده به موجب قانون خاص مجاز باشد.

۵- علاوه بر موارد مذکور در بندهای پیشین قانون می‌تواند بر حسب لزوم به دلیل شرایط خاص اعمال هر گونه محرومیت از استفاده آزاد از اموال و بهره‌بری آزادانه از عایدات آن را پیش بینی کند. این قانون فردی را که ملزم به پرداخت مبالغی به ذیحق‌برای استفاده و بهره‌بری از عایدات متناسب با شرایط وقت، و همچنین اقدامات عملی را مشخص کند. مقررات تعیین شده در اجرای این بند، باید به محض از میان رفتن دلایلی خاصی که آنها را ایجاب می‌کرد، برداشته شوند. در صورت تداوم بدون علت این مقررات، هیأت دولت، بنا به درخواست هر فرد که دارای منافع قانونی، در مورد لغو آنها تصمیم‌گیری کند.

۶- قانون می‌تواند در مورد واگذاری اراضی بلامالك به منظور احیای آنها در جهت منافع اقتصاد ملی و كمك به کشاورزان بدون زمین مقرراتی تنظیم نماید. این قانون باید در مورد پرداخت غرامت جزئی یا کلی به مالکان، در صورتی که ظرف محدودیت زمانی قابل قبول ادعای مالکیت کنند، پیش بینی نماید.

۷- قانون می‌تواند در مورد مالکیت مشاع اجباری املاك مجاور هم در مناطق شهری به شرطی که عمران املاك مزبور به طور جداگانه یا قسمتی از آنها با مقررات ساخت و ساز جاری یا آتی منطقه مطابقت داشته باشد، مقرراتی وضع کند.

۸- اراضی کشاورزی صومعه‌های مقدس استوزو پیژیاك سنت اناستازی فارماکولیتریا Itharmacolytria Amastasia Aghia در خالکید، والتادس در تسالونیک و ژان رو جانی انجیلی در پاتموس نباید، به

استثنای متعلقات آنجا مشمول سلب مالکیت قرار گیرند. و نیز اموال اسقف اسکندریه، انطاکیه و اورشلیم در یونان و اموال صومعه مقدس سینا نباید مشمول سلب مالکیت شوند.

اصل نوزدهم

محرمانه بودن نامه‌ها و مکاتبه آزاد یا برقراری ارتباط به هر شکل، مطلقاً از تعرض مصون است. قانون تضمین‌هایی را که طبق آنها مراجع قضایی به دلیل امنیت ملی یا به دلیل رسیدگی به جرایم فوق‌العاده حاد می‌توانند این اصل را رعایت نکنند، معین می‌کند.

اصل بیستم

۱- هر کس حق دارد از حمایت قانونی محاکم برخوردار شود و نظرات خود را در مورد حقوق یا منافعش، همان گونه که در قانون پیش بینی شده است، در این محاکم مطرح کند.

۲- حق فرد ذی‌نفع برای رسیدگی مقدماتی، باید در مورد هر گونه اقدام یا تصمیم‌داری که زیان حقوق یا منافعش اتخاذ شده، رعایت گردد.

اصل بیست و یکم

۱- خانواده، به عنوان اساس حفظ و پیشرفت کشور، و نیز امر ازدواج، مادری و طفولیت، در حمایت دولت هستند.

۲- خانواده‌های پر جمعیت، معلولان جنگ یا دوران صلح، قربانیان جنگ، بیوه‌ها و یتیمان ناشی از جنگ و نیز افرادی که از بیماری‌های جسمی یا روحی درمان ناپذیر رنج می‌برند، از حق مراقبت و نگهداری ویژه دولت برخوردارند.

۳- دولت سلامت شهروندان را تأمین می‌کند و اقدامات ویژه‌ای را برای حمایت از جوانان، سالخوردگان، معلولان و کمک به نیازمندان اتخاذ می‌نماید.

۴- برخورداری از خانه برای کسانی است که فاقد آن هستند یا از سر پناه مناسبی بهره‌مند نیستند باشد.

اصل بیست و دوم

۱- کار حق هر کسی و از حمایت دولت برخوردار است، و دولت بر ایجاد شرایط اشتغال برای کلیه شهروندان در پی پیشرفت معنوی و مادی جمعیت‌های کارگری روستاها و شهرها نظارت دارد.

کلیه کارگران، صرف نظر از جنسیت یا سایر تمایزات، حق دارند برای انجام کارهای دارای ارزش یکسان دستمزد برابر دریافت کنند.

۲- قانون، شرایط عمومی کار را معین می‌کند. توافقنامه‌های جمعی که از طریق مذاکرات آزاد حاصل شده و یا در صورت شکست چنین مذاکراتی، مقرراتی که به موجب حکمیت وضع شده‌اند مکمل شرایط مزبور می‌گردند.

۳- هر نوع کار اجباری ممنوع است.

ارائه خدمات شخصی در وضعیت جنگی یا بسیج عمومی یا برای اعم از رفع نیازهای دفاعی کشور یا نیازهای اجتماعی ناشی از بلایا که ممکن است سلامت عمومی را به مخاطره اندازد، و نیز ارائه کار شخصی برای تشکیلات اداری منطقه‌ای در جهت رفع نیازهای محلی، به موجب قوانین خاصی مقرر می‌گردد.

۴- دولت باید، همان گونه که در قانون پیش بینی شده است، دولت بر بیمه کارگران نظارت می‌نماید.

بند تفسیری

در میان شرایط عمومی کار، تعیین نحوه و مسئول جمع‌آوری حق عضویت و ارسال آن به اتحادیه‌ها، همان گونه که در قوانین آیین‌نامه‌های مربوط پیش‌بینی گردیده، گنجانده شده است.

اصل بیست و سوم

۱- دولت باید اقدامات مناسب را در محدوده قانون برای تضمین آزادی اتحادیه‌ها و اعمال آزاده حقوق مربوط به آن در برابر هرگونه لطمه به آن به عمل آورد.

۲- اتحادیه‌های قانونی از حق اعتصاب در ستای حفظ و ارتقای منافع مالی کار و به طور کلی منافع اقتصادی کارکنان برخوردارند.

هر گونه اعتصاب مأموران قضایی و افرادی که در نیروهای امنیتی خدمت می‌کنند، ممنوع است. حق اعتصاب برای کارمندان دولتی و کارکنان تشکیلات اداری منطقه‌ای و اشخاص حقوقی در حقوق عمومی و نیز کارکنان کلیه انواع مؤسسات دارای ماهیت دولتی یا دارای منافع عمومی، که فعالیت آنها در جهت برآوردن نیازهای اساسی اجتماع دارای اهمیت حیاتی است، به موجب قانون مربوطه، مشروط به محدودیتهای ویژه‌ای است. این محدودیتهای نباید موجب حذف یا مانع اعمال قانونی حق اعتصاب گردد.

اصل بیست و چهارم

۱- حمایت از محیط طبیعی و فرهنگی از وظایف دولت است. دولت به منظور محافظت از محیط مزبور، موظف است اقدامات ویژه پیشگیرانه یا بازدارنده به عمل آورد. قانون، موضوعات مربوط به

حفاظت از جنگلها و مناطق جنگلي به طور كلي، رامقرر مي‌كند. تغيير در بهره‌برداري از جنگلهاي کشور و مناطق جنگلي کشور ممنوع است، مگر در جايي که منابع عمومي، توسعه کشاورزي يا هر نوع استفاده ديگري را براي اقتصاد ملي ايجاب نمايد.

۲- نوسازي مناطق کشور، ايجاد، توسعه، شهرنشيني و گسترش شهرها و به طوركلي قطبهاي شهرنشيني، در راستاي نقش کاربردي و توسعه مناطق مسكوني و تأمين‌بهترین شرايط ممکن زندگي، تحت برنامه‌ريزي و کنترل دولت هستند.

۳- به منظور تعيين ناحيه‌اي به عنوان قطب شهرنشيني و اجراي طرحهاي شهري در آن، بايد صاحبان املاكي که در محدوده اين منطقه هستند، بدون دريافت غرامت از دستگاه‌هاي مربوط، زمينهاي لازم را براي ساختن جاده‌ها، ميدانها و فضاهاي براي استفاده و منافع عموم را، در اختيار اين دستگاه‌ها قرار دهند، و آنان بايد براي پرداخت‌هزينه‌هاي اجراي کارهاي زيربنايي شهرسازي همان گونه که در قانون پيش بيني شده است، کمک کنند.

۴- قانون مي‌تواند مشارکت صاحبان املاک ناحيه‌اي را که به عنوان قطب‌شهرنشيني شناخته شده است، در توسعه و آماده‌سازي كلي آن منطقه بر اساس يك طرح شهري مصوب پيش بيني کند. در عوض، مستغلات يا فروشگاههاي زنجيره‌اي با ارزش مساوي در بخشهايي از اين مناطق که در نهايت براي ساختمان سازي در نظرگرفته شده است، يا در ساختمانهاي قطب مزبور، دريافت خواهند کرد.

۵- مقررات بندهاي قبلي، در مورد نوسازي مناطق شهري موجود، نيز اجرايي گردند. زمينه‌اي که با نوسازي به دست مي‌آيند، همان گونه که در قانون معين شده است، به مصرف ساخت فضاهاي عام‌المنفعه مي‌رسند يا به منظور جبران هزينه‌هاي نوسازي شهري فروخته مي‌شوند.

۶- بناهاي يادبود و محوطه‌ها و عناصر تاريخي تحت محافظت دولت هستند. و نيزروشها و نوع جبران خسارت مالکان را معين مي‌نمايد.

اصل بيست و پنجم

۱- حقوق انسان به عنوان يك فرد و به عنوان عضوي از اجتماع را دولت تضمين مي‌کند و کليه دستگاه‌هاي دولتي بايد اعمال آزادانه آنها را تأمين کنند.

- ۲- به رسمیت شناختن و حمایت از حقوق اساسی و لاینفک انسان توسط دولت در جهت دستیابی به پیشرفت اجتماعی در سایه آزادی و عدالت است.
- ۳- سوء استفاده از حقوق ممنوع است.
- ۴- دولت حق دارد اجرای وظایف مربوط به وحدت اجتماعی و ملی را از کلیه شهروندان بخواهد.

بخش سوم

سازمان و وظایف دولت

فصل الف

ساختار حکومت

اصل بیست و ششم

۱- قدرت قانونگذاری در اختیار مجلس نمایندگان و رئیس جمهوری است.

۲- قدرت اجرایی در اختیار رئیس جمهور و هیأت دولت است.

۳- قدرت قضایی در اختیار محاکم حقوقی است که احکام آنها از طرف مردم یونان اجرا می‌گردد.

اصل بیست و هفتم

۱- هیچ گونه تغییری در مرزهای کشور نمی‌تواند بدون قانون مصوب اکثریت مطلق کل نمایندگان مجلس، صورت گیرد.

۲- نیروهای نظامی خارجی نمی‌توانند در خاک یونان پذیرفته شوند، در آن مستقر گردند یا از آن عبور کنند، مگر به موجب قانونی که با اکثریت مطلق کل اعضای مجلس به تصویب رسیده باشد.

اصل بیست و هشتم

۱- قواعد حقوق بین‌المللی که عمدتاً به رسمیت شناخته شده‌اند، و نیز قراردادهای بین‌المللی از زمانی که به موجب قانون اعتبار یافته و طبق مفاد آن به اجرا گذاشته می‌شوند، بخشی از حقوق داخلی یونان و از هر قانون مغایری برتر هستند. قواعد حقوق بین‌المللی و قراردادهای بین‌المللی در مورد اتباع بیگانه تنها به شرطی اجرایی گردد که متقابلاً رعایت شود.

۲- در راستای منافع ملی مهم و ارتقاء سطح همکاری با سایر دول می‌توان به موجب پیمان یا موافقتنامه اختیاراتی را که به موجب قانون اساسی پیش‌بینی شده اند برای سازمانهای بین‌المللی به رسمیت شناخت. اکثریت سه پنجم کل نمایندگان مجلس برای رای‌گیری در مورد قانون مربوط به تصویب پیمان یا موافقتنامه لازم است.

۳- یونان می‌تواند به موجب قانون مصوب اکثریت مطلق کل نمایندگان مجلس، اعمال حاکمیت ملی تا محدود نماید این اقدام تا جایی امکان پذیر است که در خدمت منافع مهم ملی باشد، به حقوق بشر و پایه‌های نظام مردمی آسیب نرساند و بر اساس اصول برابری و تحت شرایط متقابل به اجرا درآید.

اصل بیست و نهم

۱- اتباع یونانی که دارای حق رای دادن هستند می‌توانند احزاب سیاسی را تشکیل دهند یا به عضویت آنها درآیند؛ تشکیلات و فعالیت‌های آنها باید در خدمت عملکرد آزادانه حکومت مردمی باشد. اتباعی که هنوز حق رای دادن کسب نکرده‌اند، می‌توانند در شاخه‌های جوانان احزاب عضویت داشته باشند.

۲- قانون می‌تواند حمایت مالی از احزاب را توسط دولت و نیز تبلیغات هزینه‌های انتخاباتی احزاب و نامزدهای نمایندگی را پیش‌بینی کند.

۳- هر گونه فعالیت صاحب‌منصبان قضایی، نظامیان به طور کلی، نیروهای امنیتی و کارکنان دولتی، به نفع احزاب سیاسی مطلقاً ممنوع است. همچنین فعالیت نظامی‌نمایندگان اشخاص حقوقی در حقوق عمومی، مؤسسات دولتی و تشکیلات اداری منطقه‌ای به نفع یک حزب ممنوع است.

بخش ب

رئیس جمهور

فصل نخست

انتخاب رئیس جمهور

اصل سی

۱- رئیس جمهوری باید عملکرد نهاد های جمهوری را تنظیم نماید. وی رانمایندگان مجلس برای یک دوره پنج ساله طبق مفاد اصل‌های ۳۲ و ۳۳ انتخاب می‌کنند.

۲- احراز ریاست جمهوری با داشتن سمت، مقام یا وظیفه‌ای دیگر مغایر است.

۳- دوره ریاست جمهوری با ادای سوگند رئیس جمهور آغاز می‌شود.

۴- در حالت جنگی، دوره ریاست جمهوری تا پایان جنگ ادامه پیدا می‌کند.

۵- انتخاب مجدد یک فرد به عنوان رئیس جمهور تنها برای یک بار مجاز است.

اصل سی و یکم

هر فردي كه حداقل پنج سال تبعه يونان، پدر وي يوناني به سن ۴۰ سالگي رسیده دارای حق رای باشد، میتواند به ریاست جمهوری انتخاب گردد.

اصل سي و دوم

۱- رئیس جمهور را اعضای مجلس بر طبق مقررات مجلس از طریق رای مخفی در نشست ویژه ای که به دعوت رئیس مجلس به همین منظور تشکیل میشود، حداقل يك ماه قبل از انقضای دوره رئیس جمهور شاغل انتخاب میکنند.

در صورت معذورت قطعی رئیس جمهور برای اجرای وظایفش به موجب مفاد بند ۲ اصل ۳۴، و نیز در صورت استعفا، فوت یا برکناری رئیس جمهور طبق مفاد قانون اساسی، مجلس نمایندگان حداکثر ظرف ده روز از انقضای زودرس دوره ریاست جمهوری پیشین برای انتخاب رئیس جمهور جدید تشکیل جلسه میدهد.

۲- انتخاب رئیس جمهور در تمام موارد برای يك دوره کامل صورت میگیرد.

۳- فردي كه آرای دو سوم اکثریت كل اعضای مجلس را كسب نماید به عنوان رئیس جمهور انتخاب میگردد.

در صورتی اکثریت مزبور به دست نیاید، رای گیری پس از پنج روز تکرار می شود. چنانچه در رای گیری دوم اکثریت لازم حاصل نشود، رای گیری پس از پنج دوباره تکرار می گردد؛ فردي كه اکثریت سه پنجم آرای كل نمایندگان را به دست می آورد، به عنوان رئیس جمهور انتخاب می شود.

۴- چنانچه در رای گیری سوم اکثریت مذکور حاصل نشود، مجلس نمایندگان ظرف ده روز منحل می شود و برای مجلس جدید انتخابات برگزار می گردد.

به محض اینکه مجلس جدید پس از انتخابات جدید تشکیل شد، باید از طریق رای مخفی اقدام به انتخاب رئیس جمهور با رای سه پنجم اکثریت تعداد كل اعضای مجلس نماید.

چنانچه اکثریت مذکور حاصل نشود، رای گیری پنج روز بعد تکرار می شود و فردي كه آرا اکثریت مطلق كل اعضای پارلمان را به دست آورد به عنوان رئیس جمهور انتخاب می گردد. چنانچه در این رای گیری نیز اکثریت به دست نیاید يك بار دیگر ظرف پنج روز رای گیری بین دو نفری كه بیشترین تعداد آرا را به دست آورده اند، صورت می گیرد و فردي كه يك اکثریت نسبی را به دست آورد، به عنوان رئیس جمهور انتخابی شناخته می شود.

۵- چنانچه مجلس جلسه نداشته باشد، برای نشست ویژه ای به منظور انتخاب رئیس جمهور، طبق مفاد بند ۴ برای تشکیل جلسه دعوت می‌گردد.

در صورت انحلال مجلس نمایندگان به هر دلیلی که باشد، انتخاب رئیس جمهور تازمانی که تشکیل مجلس جدید حداکثر ظرف بیست روز، طبق مفاد بندهای ۳ و ۴ و بارعایت بند ۱ اصل ۳۴، به عنوان یک مجمع شکل گیرد به تعویق افتد.

۶- چنانچه شیوه مذکور در بندهای پیشین برای انتخاب یک رئیس جمهور جدید به موقع انجام نگیرد، رئیس جمهور شاغل به ایفای وظایف خود حتی پس از انقضای دوره اش تا زمانی که یک رئیس جمهور جدید انتخاب شود، ادامه می‌دهد.

ماده تفاسیری: رئیس جمهور که قبل از انقضای دوره اش استعفا می‌دهد، نمی‌تواند برای انتخابات ریاست جمهوری که در پی استعفای وی برگزار می‌گردد، نامزد شود.

اصل سی و سوم

۱- رئیس جمهور منتخب کار خود را در روز پس از انقضای دوره ریاست جمهوری قبلی و در کلیه موارد دیگر، در روز پس از انتخابش آغاز می‌کند.

۲- رئیس جمهور پیش از آغاز انجام وظایف خود در برابر نمایندگان مجلس سوگند زیر را یاد کند:

«من به نام اقلانیم سه‌گانه مقدس، هم ذات و جدایی‌ناپذیر سوگند یاد می‌کنم که قانون اساسی و قوانین را رعایت نمایم، مراقب رعایت صادقانه آنها باشم، از استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور دفاع کنم، از حقوق و آزادی‌های اتباع یونان پاسداری نمایم و در خدمت منافع عمومی و پیشرفت مردم یونان باشم.»

۳- قانون درآمد و حقوق رئیس جمهور و نیز وظایف نهادهایی را که برای تضمین انجام وظایف رئیس جمهور سازمان یافته‌اند، معین می‌کند.

اصل سی و چهارم

۱- چنانچه رئیس جمهور برای مدت بیش از ده روز در کشور نباشد، یا فوت نماید یا استعفا دهد یا از سمتش برکنار شود یا به هر دلیلی توانایی ایفای وظایفش را نداشته باشد، رئیس جمهور نمایندگان به طور موقت جانشین وی می‌شود، یا چنانچه مجلس وجود نداشته باشد، رئیس مجلس سابق و چنانچه وی

امتناع ورزد یا وجود نداشته باشد، هیأت دولت به طور دسته جمعی وظایف رئیس جمهور را در این مدت انجام خواهد داد. در زمان جانشینی رئیس جمهور، مقررات مربوط به انحلال مجلس، به استثنای موردی که در اصل ۳۲ بند ۴ مشخص شده، و نیز مقررات مربوط به کنار گذاشتن هیأت دولت و مراجع به همه پرسی که در اصل ۳۸ بند ۲ و اصل ۴۴ بند ۳ ذکر شده است، اجرایی گردد.

۲- چنانچه عدم توانایی رئیس جمهور برای ایفای وظایف اداریش از سی روز تجاوز نماید، حتی اگر مجلس منحل شده باشد، باید به اجبار تشکیل جلسه دهد تا در صورت لزوم انتخاب يك رئیس جمهور جدید با رای سه پنجم اکثریت اعضای خود، مسأله را حل کند. در هر حال انتخاب رئیس جمهور در هیچ حالتی نباید بیش از شش ماه پس از آغاز انتصاب جانشین به دلیل عدم توانایی رئیس جمهور به تأخیر افتد.

مبحث دوم

اختیارات و مسئولیت ناشی از احکام رئیس جمهور

اصل سی و پنجم

۱- هیچ يك از احکام رئیس جمهور معتبر یا قابل اجرا نیست مگر اینکه به امضای ثانی وزیر صلاحیتدار که فقط به موجب امضایش مسؤول شناخته می شود، رسیده و در روزنامه رسمی چاپ شده باشد.

اگر نخست وزیر در هنگامی که به موجب بند يك اصل ۳۸ هیأت دولت برکنار شده باشد، فرمان مربوط را امضا نکند، این فرمان فقط به امضای رئیس جمهور می رسد.

۲- احکام ذیل استثنائاً به امضای ثانی نیاز ندارند.
الف) انتصاب نخست وزیر

ب) حکم مقدماتی براساس بند ۲، ۳، ۴ ماده ۳۷
پ) انحلال مجلس نمایندگان براساس بند ۴ اصل ۳۲ و بند يك اصل ۴۱، اگر نخست وزیر آن را امضای ثانی نکند و نیز براساس بند يك اصل ۵۳، اگر هیأت وزیران آن را امضا ثانی نکند.

ت) ارجاع لایحه یا طرح قانونی تصویب شده توسط مجلس نمایندگان براساس بند يك ماده ۴۲.

ث) انتصاب کارکنان نهادهای ریاست جمهوری.

۳- فرمان برگزاری همه پرسی را در مورد لایحه قانونی به موجب بند ۲ اصل ۴۴، رئیس مجلس نمایندگان امضای ثانی می کند.

اصل سی و ششم

۱- رئیس جمهور با رعایت کامل مقررات بند يك اصل ۳۵، در سطح بین‌المللی نماینده کشور است، اعلام جنگ می‌کند، قرارداد های صلح، اتحاد، همکاری اقتصادی و عضویت را در سازمانها یا اتحادیه‌های بین‌المللی منعقد می‌نماید و مجلس را از آنها باتوضیحات لازم در هر زمان که امنیت ملی ایجاب نماید، آگاه می‌کند.

۲- قراردادهای مربوط به تجارت، مالیات، همکاری اقتصادی و عضویت در سازمانها و اتحادیه‌های بین‌المللی نیز قراردادهای اعطای امتیاز که برای آن طبق سایر مفاد قانون اساسی حاضر، بدون مجوز قانونی نمی‌توان مقرراتی تعیین کرد یا امتیازاتی که ممکن است موجب فشار بر اتباع یونان به عنوان فرد شود، فقط با تصویب توسط يك قانون صوری نافذ خواهد بود.

۳- اصول محرمانه يك قرارداد نباید در هیچ موردی اصول غیرمحرمانه را نقض کند.

۴- تصویب قراردادهای بین‌المللی نمی‌تواند براساس بند ۲ و ۳ اصل ۴۳ موضوع نیابت قانونگذاری قرار گیرد.

اصل سي و هفتم

۱- رئیس جمهور نخست‌وزیر را منصوب و به پیشنهاد وي، سایر اعضای هیأت دولت و معاونان وزیران را نصب و عزل می‌کند.

۲- رهبر حزبی که اکثریت مطلق کرسی‌های مجلس را در اختیار دارد، به عنوان نخست‌وزیر منصوب می‌شود. چنانچه هیچ حزبی اکثریت کرسی‌های مجلس را در اختیار نداشته باشد، رئیس جمهور می‌تواند رهبر حزبی را که دارای اکثریت نسبی است، با يك حکم معرفی مأمور نماید تا در مورد امکان تشکیل دولتی که از اعتماد مجلس برخوردار باشد، به بررسی بپردازد.

۳- چنانچه امکان چنین امری محقق نشود، رئیس جمهور می‌تواند با يك حکم مقدماتی جدید رهبر دومین حزبی را که در مجلس از نظر تعداد کرسی در رده دوم است، مأمور نماید. اگر این حکم نیز بی‌نتیجه ماند، وي حکم مقدماتی را به رهبر حزبی که از نظر تعداد کرسی در رده سوم است. هر حکم مقدماتی سه روز طول می‌کشد اگر تمامی حکم‌های مقدماتی بدون نتیجه بماند، رئیس جمهوری رهبران این احزاب را فرا می‌خواند و چون عدم امکان تشکیل دولت مورد اعتماد مجلس اثبات شده است، وي خواستار تشکیل دولتی از تمام احزاب حاضر در مجلس می‌گردد که به رای گذاشته خواهد شد؛ در صورت شکست، رئیس جمهوری تشکیل دولتی را که مورد پذیرش همگانی باشد، به رئیس شورای

حکومتي يا ديوان کشور يا ديوان محاسبات واگذارمي‌کند تا شخص اخير آن را به همه‌پرسی بگذارد و رئيس جمهور مجلس را منحل اعلام مي‌کند.

۴- در حالي که حکم تشكيل يك دولت يا حکم مقدماتي به موجب بندهاي پيشين به رهبر يك حزب داده مي‌شود، اگر اين حزب رهبر يا نماينده حزب نداشته باشد يا اينان به عنوان نماينده مجلس انتخاب نشده باشند، رئيس جمهوري حکم را به فردي مي‌دهد که نمايندگان حاضر آن حزب در مجلس، پيشنهاده مي‌کنند. اين پيشنهاده ظرف سه روز پس از اينکه رئيس مجلس يا جانشين قدرت پارلماني احزاب را به رئيس جمهور اعلام کرد، انجام مي‌گيرد. اين اعلام قبل از حکم صورت مي‌پذيرد.

ماده تفسيри: اگر احزاب داراي کرسی‌هاي مساوي باشند، حکمهاي مقدماتي به در ابتدا به حزبي اعطا مي‌شود که بيشتري تعداد راي را در همه‌پرسی کسب کرده است؛ حزبي که به تازگي تأسيس شده است و به موجب مقررات آيين‌نامه مجلس نمايندگان داراي گروه پارلماني مي‌باشد، پس از حزب قديمي‌تر که کرسی‌هاي مساوي دارد، قرارمي‌گيرد. در اين دو حالت، حکمهاي مقدماتي به پيش از چهار حزب داده نمي‌شود.

اصل سي و هشتم

رئيس جمهور به انجام وظايف هيأت دولت در صورتي که استعفا دهد يا مجلس نمايندگان به موجب اصل ۸۴ به آن راي عدم دهد، پايان مي‌دهد.

در چنين مواردی، مفاد بندهاي ۲، ۳ و ۴ اصل ۳۷ به همين شيوه اجرا مي‌گردد.

چنانچه نخست‌وزير هيأت دولت مستعفي، رهبر يا نماينده حزبي است که در مجلس اکثريت مطلق نمايندگان را داراست، قسمت پ بند ۳ اصل ۳۷ به همين شيوه قابل اجراست.

۲- در صورت استعفا يا فوت نخست‌وزير، رئيس جمهور فرد پيشنهاده گروه پارلماني حزب نخست‌وزير را به اين سمت منصوب مي‌کند. اين پيشنهاده حداکثر پس از سه روز انجام مي‌گيرد. تا انتصاب نخست‌وزير جديد، به ترتيب معاون اول رئيس شورا يا وزير وظايف نخست‌وزير را ايفا مي‌کند.

ماده تفسيري: مفاد بند ۲ همچنين در مورد جانشيني رئيس جمهور به موجب اصل ۳۴ اجرا مي‌گردد.

اصل سي و نهم

منسوخ شده است.

اصل چهارم

۱- رئیس جمهور سالی يك بار مجلس را طبق بند يك اصل ۶۴ براي تشكيل اجلاسيه عادي و هر زمان كه به نظر وي لازم باشد، براي تشكيل اجلاسيه فوق العاده دعوت مي نمايد، وي آ غاز و پايان هر دوره قانون گذاري را شخصاً يا از طريق نخست وزير اعلام مي نمايد.

۲- رئیس جمهور تنها يك بار مي تواند انجام وظايف اجلاسيه مجلس را از طريق به تعويق انداختن گشايش آن يا تعطيل موقت آن به تعليق درآورد.

۳- تعليق وظايف نبايد بيش از يك دوره سي روزه طول بكشد، و نيز چنين تعليقي نبايد در طي يك اجلاس بدون رضايت خود مجلس تكرر شود.

اصل چهارم و يكم

۱- در صورتي كه دو هيأت دولت استعفا دهند يا توسط مجلس نمايندگان راي عدم اعتماد نگیرند، و يا تركيب آن تضمين كننده ثبات هيأت دولت نباشد، رئیس جمهور مي تواند مجلس نمايندگان را منحل كند. انتخابات را دولتي كه از مجلس منحل شده راي اعتماد داشته است، برگزار مي كند. در موارد ديگر، قسمت سوم بند ۳ ماده ۳۷ به همان شيوه اجرا مي گردد.

۲- رئیس جمهور مي تواند به پيش نهاد هيأت دولتي كه راي اعتماد گرفته است، به منظور تجديد اعتبار عمومي براي مقابله با مسائل ملي داراي اهميت استثنائي، مجلس را منحل كند. انحلال مجلس جديد براي همين موضوع امكان پذير نيست.

۳- فرمان انحلال مجلس كه در حالت بند پيشين به امضاي ثانوي رسيده است، بايد شامل اعلام انتخابات ظرف سي روز و دعوت براي تشكيل جلسه مجلس نمايندگان ظرف سي روز از تاريخ دعوت باشد.

۴- مجلس نمايندگان كه پس از انحلال مجلس پيشين منحل شده است، نبايد تا يك سال پس از شروع به كار منحل شود، مگر در موارد بند ۳ اصل ۳۷ و بند يك اصل حاضر.

۵- در حالت بند ۴ اصل ۳۲، مجلس نمايندگان به اجبار منحل مي گردد.

ماده تفسيри: بدون استثنا در تمام موارد، فرمان انحلال مجلس نمايندگان بايد حاوي اعلام انتخابات ظرف سي روز و دعوت به تشكيل جلسه نمايندگان ظرف سي روز از تاريخ دعوت مي باشد.

اصل چهل و دوم

۱- رئیس جمهور قوانین مصوب مجلس را ظرف يك ماه پس از تصویب، امضا و فرمان اجرای شان را صادر و آنها را منتشر می‌نماید. رئیس جمهور می‌تواند ظرف مدت زمان قسمت پیش، لایحه قانونی مصوب مجلس را همراه با ذکر دلایل ارجاع، به مجلس عودت دهد.

۲- لایحه با طرح قانونی که رئیس جمهور به مجلس نمایندگان می‌فرستند، در جلسه‌ای مرکب از کلیه اعضا مطرح می‌شود و چنانچه به موجب آرای اکثریت مطلق، بارعایت آیین رسیدگی بند اصل ۷۶ دوباره به تصویب برسد، رئیس جمهور موظف به امضا و صدور فرمان اجرا و انتشار آن ظرف ده روز از زمان تصویب دوباره آن می‌باشد.

۳- منسوخ شده است.

اصل چهل و سوم

۱- رئیس جمهور فرمانهای لازم را برای اجرای قوانین صادر می‌نماید، وی هرگز نمی‌تواند اجرای قوانین را به تعلیق درآورد یا کسی را از اجرای آنها معاف نماید.

۲- به پیشنهاد وزیر ذیصلاح صدور فرمانهای قانونی به موجب نیابت قضایی و در چارچوب این نیابت مجاز است. اعطای این نیابت به سایر عوامل اجرایی برای صدور احکام قانونی در مورد مقررات امور خاص یا امور مربوط به منافع محلی یا امور دارای ماهیت فنی و جزئی مجاز است.

۳- منسوخ شده است.

۴- قوانین مصوب مجلس نمایندگان در جلسه‌ای مرکب از کل اعضاء می‌تواند برای صدور فرمانهای قانونی در مورد موضوعاتی که این قوانین مشخص کرده‌اند، اختیاراتی را تفویض کند. این قوانین باید اصول کلی و دستورات کلی تدوین مقرراتی را که باید رعایت گردد، مشخص و محدودیت زمانی استفاده از این نیابت را مقرر نماید.

۵- همان‌گونه که در بند يك اصل ۷۲ مشخص شده، امور مربوط به اختیارات مجلس نمایندگان در جلسه مرکب از کلیه اعضا مشمول نیابت مشخص شده در بند قبلی قرار نمی‌گیرد.

اصل چهل و چهارم

رئیس جمهور می‌تواند در شرایط فوق‌العاده اضطراری و غیرقابل پیش‌بینی، به پیشنهاد شورای وزیران احکام دارای مفاد قانونی صادر نماید. چنین احکامی برای تصویب، طبق مفاد

بند يك اصل ۳۲ چهل روز از صدور آنها يا ظرف چهل روز از تاريخ تشكيل اجلاس مجلس، به مجلس نمايندگان تسليم شود. چنانچه اين گونه مصوبات ظرف محدوديت زماني فوق به مجلس تسليم نشود يا چنانچه ظرف مدت سه ماه از زمان تسليم آنها توسط مجلس تصويب نشود، از آن پس فاقد جنبه اجرايي خواهند شد.

۲- پس از تصميمي كه به پيشنهاد شوراي وزيران در مجلس با اكثريت مطلق آراگرفته ميشود، رئيس جمهوري ميتواند در مورد موضوعات حساس ملي به موجب فرماني اعلام همهپرسی نماید.

پس از تصميمي كه به پيشنهاد دو پنجم نمايندگان، توسط سه پنجم كل نمايندگان اتخاذ ميگردد، رئيس جمهور با فرماني، در مورد لوايح قانوني مصوب مجلس نمايندگان و لوايح كه مربوط به يك موضوع اجتماعي حاد ميشوند، به جز لوايح قانوني مالياتي، و نيز در مورد لوايح حاوي مقررات مجلس و قانون مربوط به اجراي بند حاضر، اعلام همهپرسی ميکند. در طي يك اجلاسيه، دو پيشنهاد براي برگزاري همهپرسی در مورد لايحه قانوني امكانپذير نيست.

اگر لايحه قانوني تصويب گردد، مهلت بند يك اصل ۴۲ از آغاز برگزاري همهپرسی آغاز ميگردد.

۳- رئيس جمهور در شرايط كاملاً استثنائي، ميتواند پيامهايي را خطاب به ملتفرستد اين پيامها را نخستوزير امضاي ثانوي ميکند و در روزنامه رسمي دولتي چاپ ميشود.

اصل چهل و پنجم

رئيس جمهور فرمانده كل نيروهاي مسلح كشور است كه فرماندهي بر آنها به موجب قانون توسط هيأت دولت اعمال شود، رئيس جمهور درجات آنهايي را كه در ارتش خدمت ميكنند به موجب قانون اعطا نمايد.

اصل چهل و ششم

۱- رئيس جمهور كاركنان دولتي را طبق قانون نصب و عزل نمايد، بجز در استثنائاتي كه در قانون مشخص شده است.

۲- رئيس جمهور نشانهاي رسمي را طبق مفاد قوانين مربوطه اعطا مينمايد.

اصل چهل و هفتم

۱- به پيشنهاد وزير دادگستري و پس از مشورت با شوراي مركب از اكثريتي از قضات، رئيس جمهور ميتواند اعلام عفو

نماید، مجازاتهای تعیین شده از سوی محاکم را تغییر یا کاهش دهد و کلیه آثار قانونی مجازاتهای تعیین و اعمال شده را باطل نماید.

۲- رئیس جمهور فقط با موافقت مجلس حق عفو وزیری را که به موجب اصل ۸۶ محکوم شده است دارد.

۳- عفو عمومی صرفاً برای جرایم سیاسی را می‌توان به موجب قانونی اعطا کرد که در جلسه‌ای مرکب از کلیه اعضای مجلس نمایندگان با اکثریت سه‌پنجم آرای کل نمایندگان به تصویب رسیده باشد،

۴- برای جرایم عمومی حتی به موجب قانون نمی‌توان عفو عمومی داد.

اصل چهل و هشتم

۱- در شرایط جنگی، بسیج به سبب خطرات خارجی یا تهدید آشکار علیه امنیت کشور و در شرایطی که یک حرکت نظامی برای براندازی نظام مردمی صورت می‌گیرد، مجلس نمایندگان با اتخاذ تصمیم به پیشنهاد دولت در مورد تمام یا بخشی از قلمروی کشور، قانون حکومت نظامی را به اجرا درمی‌آورد، دادگاه‌های اختصاصی تشکیل دهد و مجری بودن تمام یا قسمتی از مفاد بند ۴ اصل ۵، اصلهای ۶، ۸، ۹، ۱۱، بند ۱ تا ۴ اصل ۱۲، اصلهای ۱۴، ۱۹، بند ۳ اصل ۲، اصل ۲۳، بند ۴ اصل ۹۶ و اصل ۹۷ به حال تعلیق درمی‌آورد. رئیس جمهور تصمیمات مجلس نمایندگان را منتشر می‌کند.

۲- در زمان تعطیلی مجلس نمایندگان یا عدم امکان واقعی دعوت به موقع نمایندگان، اقدامات پیش‌بینی شده در بند پیشین توسط فرمان رئیس جمهوری که به پیشنهاد شورای وزیران صادر شده است، معمول می‌گردد. به محض آنکه دعوت به تشکیل جلسه امکان‌پذیر شد، دولت فرمان را برای تصویب به مجلس تسلیم می‌کند، حتی اگر قانونگذاری به پایان رسیده باشد یا مجلس منحل شده باشد، و در هر حال باید ظرف ۱۵ روز دیرتر صورت پذیرد.

۳- مدت زمان اقدامات پیش‌بینی شده در بندهای پیشین فقط با تصمیم قبلی مجلس نمایندگان و هر بار برای ۱۵ روز قابل تمدید است. برای این حالت مجلس حتی اگر منحل شده یا دوره قانونگذاری آن به پایان رسیده باشد، برای تشکیل جلسه دعوت می‌گردد.

۴- اقدامات پیش‌بینی شده در بندهای پیشین قانوناً پس از انقضای مهلت‌های مذکور در بندهای ۱، ۲ و ۳، مشروط بر اینکه با تصمیم مجلس نمایندگان تمدید نشده باشد، و در هر صورت پس از پایان جنگ اگر به سبب آن مجری شده باشند، خاتمه می‌یابند.

۵- به محض اجرا شدن اقدامات پیش‌بینی شده در بندهای پیشین، رئیس جمهور می‌تواند به پیشنهاد دولت برای مقابله با احتیاجات فوری یا اعاده هر چه سریع‌تر گردش کار نهاد های قانونی احکامی صادر کند که جنبه قانونی دارد. این احکام به مجلس نمایندگان تسلیم می‌گردد تا ظرف مدت پانزده روز پس از صدور آنها یا نشست مجلس‌تنفیذ گردد. اگر در مهلت‌های یاد شده تسلیم مجلس نمایندگان نگردد یا مجلس آنها را ظرف پانزده روز پس از دریافت تنفیذ نماید، آنها برای آینده باطل می‌گردند. قانون‌مربوط به حکومت نظامی نباید در طی اجرای آن تغییر کند.

۶- تصمیمات مجلس نمایندگان که در بندهای ۲ و ۳ پیش‌بینی شده است، با اکثریت آرای کل نمایندگان اتخاذ می‌گردد، در حالی که تصمیمی که در بند یک پیش‌بینی شده، با اکثریت سه‌پنجم آرای کل نمایندگان اتخاذ می‌گردد. مجلس در یک نشست به رای‌گیری می‌پردازد.

۷- در مدت اجرای تصمیمات مربوط به وضعیت اضطراری مذکور در این اصل، مفاد اصل‌های ۱۶ و ۶۲ قانون اساسی قانوناً قابل اجرا باقی می‌ماند، صرف‌نظر از اینکه مجلس نمایندگان منحل شده باشد یا دوره‌اش خاتمه یافته باشد.

مبحث سوم

مسئولیت‌های ویژه رئیس جمهور

اصل چهل و نهم

۱- رئیس جمهور در هیچ حالتی به دلیل اقداماتی که در جریان ایفای وظایفش به عمل می‌آورد مسئول شناخته شود، مگر به دلیل خیانت به کشور یا نقض عمده قانون اساسی. برای اقداماتی که ارتباطی به ایفای وظایفش ندارد، تعقیب قانونی تا زمان انقضای دوره ریاست جمهوری به تعویق می‌افتد.

۲- پیشنهاد اقامه اتهام علیه رئیس جمهوری و استیضاح وی باید با امضای حداقل یک سوم اعضای مجلس به مجلس نمایندگان

تسلیم شود و باید با رای اکثریت دوسوم کل اعضا به تصویب برسد.

۳- چنانچه پیشنهاد مزبور به تصویب برسد، رئیس جمهور برای محاکمه به دادگاه مشخص شده در اصل ۸۶، که مقررات آن باید به همان ترتیب در این مورد رعایت شود، احضار گردد.

۴- رئیس جمهور از زمان احضار به دادگاه برای محاکمه از ایفای وظایفش خودداری می‌کند، و باید طبق مفاد اصل ۳۴ جانشینی برای وی تعیین شود. با صدور حکم برائت وی توسط دادگاه آن گونه که در اصل ۸۶ مشخص شده، وی وظایف خود را چنانچه دوره ریاست جمهور خاتمه نیافته باشد، از سر می‌گیرد.

۵- شرایط اجرای مفاد اصل حاضر را قانونی که در مجلس در جلسه‌ای مرکب از کلیه اعضای آن به تصویب رسیده است تنظیم می‌نماید.

اصل پنجاهم

رئیس جمهور نمی‌تواند اختیارات دیگری بجز اختیاراتی که صریحاً قانون اساسی و قوانین عادی موافق با آن به وی تفویض کرده‌اند، داشته باشد.

فصل سوم

مجلس نمایندگان

مبحث نخست

انتخابات و ترکیب مجلس نمایندگان

اصل پنجاه و یکم

۱- تعداد اعضای پارلمان را قانون مشخص می‌کند؛ به هر حال، این تعداد نباید کمتر از دویست یا بیشتر از سیصد نفر باشد.

۲- اعضای مجلس نمایندگان ملت هستند.

۳- نمایندگان مجلس با رای مستقیم، همگانی و مخفی شهروندان دارای حق رای همان‌گونه که در قانون مشخص شده، انتخاب می‌گردند. قانون نمی‌تواند حق دادن رای را محدود نماید مگر در مواردی که فرد به حداقل سن رای دادن نرسیده یا منع قانونی داشته باشد یا به دلیل جرایم معینی دارای سابقه محکومیت جنایی قطعی باشد.

۴- انتخابات مجلس به طور هم‌زمان در سراسر کشور برگزار شود.

شرایط اعمال حق رای افرادی را که در خارج از یونان زندگی می‌کنند قانون معین می‌کند.

۵- اعمال حق رای اجباری است. استثنائات و مجازات‌های جزایی را در هر زمانی به‌موجب قانون معین شود.

اصل پنجاه و دوم

ا برار آزاده و صحیح اراده عمومی، به عنوان تجلی حاکمیت ملی، باید توسط نهادهای دولتی که موظف به تأمین آن در کلیه شرایط هستند تضمین گردد. مجازات‌های جزایی برای تخطی از این مقررات به موجب قانون معین می‌شود.

اصل پنجاه و سوم

۱- نمایندگان برای چهارساله متوالی که از روز انتخابات عمومی آغاز می‌شود، انتخاب می‌گردند. با انقضای دوره مجلس، برگزاری انتخابات عمومی مجلس ظرفی روز و تشکیل مجلس جدید برای اجلاس عادی ظرف سی روز پس از انتخابات به‌موجب فرمان ریاست جمهوری که به امضای ثانوی شورای وزیران رسیده است اعلام می‌گردد.

۲- یک کرسی نمایندگی که در آخرین سال دوره خالی شده است، چنانچه به‌موجب قانون مقرر شده باشد، طی یک انتخابات میان‌دوره‌ای پر نمی‌گردد، مگر آنکه تعداد کرسی‌های خالی از یک‌پنجم تعداد کل اعضا بیشتر شود.

۳- در حالت جنگ، دوره مجلس تا پایان جنگ تمدید می‌شود. چنانچه مجلس منحل شده باشد، برگزاری انتخابات باید تا پایان جنگ به تعویق افتد و مجلس منحل‌شده باید قانوناً تا پایان جنگ تشکیل دوباره گردد.

اصل پنجاه و چهار

۱- نظام انتخاباتی و حوزه‌های انتخاباتی به موجب قانون مشخص می‌شود.

۲- تعداد نمایندگانی که در هر حوزه انتخاباتی انتخاب می‌شوند به موجب فرمان ریاست جمهوری براساس جمعیت قانونی هر حوزه طبق آخرین آمار مشخص می‌گردد.

۳- بخشی از اعضای مجلس را مرکب از حداکثر تا یک‌بیستم تعداد کل اعضای آن، می‌توان در سراسر کشور، به نسبت قدرت انتخاباتی هر حزب در خاک یونان همان‌گونه که قانون آمده است، به طور همگانی انتخاب کرد.

مبحث دوم

موارد عدم انتخاب و صلاحیت نمایندگان

اصل پنجاه و پنجم

شهروندان یونانی که دارای حق رای و در روز انتخابات، بیستوپنج تمام هستند، می‌توانند برای نمایندگی انتخاب شوند. ۲- هر نماینده‌ای که یکی از شرایط بالا را حائز نباشد، قانوناً از نمایندگی مجلس‌برکنار می‌گردد.

اصل پنجاه و ششم

کارمندان دولت و شاغلین مشاغل دولتی که حقوق می‌گیرند، افسران نیروهای نظامی و نیروهای انتظامی نمایندگان مجامع محلی یا سایر اشخاص حقوقی حقوق عمومی، شهرداران، دهاران، رئیس و اعضای هیأت رئیسه شورای اداری اشخاص حقوقی حقوق عمومی یا مؤسسات دولتی یا شهرداری، سردفتران و دفتریاران اسنادر سمي نمی‌توانند پیش از آنکه استعفا دهند، اعلام نامزدی نمایند یا به نمایندگی انتخاب گردند. استعفا فقط با تسلیم استعفانامه به صورت کتبی صورت می‌گیرد. بازگشت فعالانه نظامیان مستعفی به مشاغل قبلی آنان منافی است و نیز بازگشت کارمندان کشوری و شاغلین مشاغل دولتی مستعفی قبل از گذشت يك سال از استعفای آنان ممنوع است.

۲- استادان مؤسسات آموزش عالی از محدودیتهای بند پیشین معاف هستند. نحوه‌جانشینی استادان منتخب و اجرای وظایف آنان در مدت نمایندگی به موجب قانون تعیین می‌شود.

۳- کارمندان دولتی حقوق بگیر، نظامیان شاغل و افسران نیروهای انتظامی، نمایندگان اشخاص حقوقی عمومی و مدیران و نمایندگان مؤسسات دولتی یا شهرداری یا مؤسسات عام‌المنفعه، در هیچ يك از حوزه‌های انتخاباتی که برای بیش از سه ماه در طی سه سال پیش از انتخابات شاغل بوده‌اند، نمی‌توانند داوطلب گردند یا به نمایندگی انتخاب گردند. این محدودیتها شامل معاونان وزیران در طی شش ماه آخر دوره قانونگذاری چهار ساله نیز می‌گردد. این محدودیتها شامل داوطلبان نمایندگی دولت و کارکنان رده پایین اداره‌های خدمات مرکزی دولتی نمی‌شود.

۴- به طور کلی کارکنان کشوری و لشگری که طبق قانون متعهد به انجام وظیفه در دوره‌ای معین هستند، نمی‌توانند در مدت تعهد خود داوطلب گردند و یا به نمایندگی انتخاب گردند.

اصل پنجاه و هفتم

۱- نماینده مجلس نمیتواند همزمان عضو شورای اداری، عضو هیأت مدیره، مدیرکل و جانشین وی و کارمند شرکتهای تجاری و مؤسساتی ویژه یا کمکهای دولتی بهره‌مند گردیده یا انحصار یک موسسه عمومی را به دست آورده است.

۲- نمایندگان مقررات بند پیشین شامل آنان می‌شود، باید ظرف هشت روز پس از انتخاب قطعی آنان، میان نمایندگی مجلس یا فعالیتهای مذکور یکی را انتخاب کنند. در صورت عدم اعلام انتخاب خود در طی مدت قانونی، آنان قانوناً از نمایندگی مجلس محروم خواهد شد.

۳- نمایندگان که یکی از مسئولیتهای انجام فعالیتهای مذکور در اصل پیشین و این اصل را یا فعالیتهایی که با نمایندگی مجلس مغایرت و ناسازگاری دارند، از آن مقام قانوناً عزل می‌گردند.

۴- نمایندگان نمیتوانند سفارس، مطالعه و اجرای کارها را با دولت، مؤسسات دولت محلی یا سایر اشخاص حقوقی حقوق عمومی یا شهرداری بپذیرند، دریافت مالیات دولتی و محلی را به اجاره درآورند، اموال غیرمنقول متعلق به اشخاص مذکور را اجاره دهند، یا هرگونه واگذاری این اموال غیرمنقول را بپذیرند. تخطی از مفاد این اصل موجب عزل از نمایندگی و بطلان این اقدامات می‌گردد. این اقدامات حتی زمانی که توسط شرکتهای تجاری یا مؤسساتی انجام گیرد که نماینده در آن سمت ریاست یا مشاور اداری یا مشاور حقوقی را برعهده دارد یا به عنوان همکار یا سهامدار در آنها مشارکت دارند، باطل است.

۵- یک قانون خاص شرایط تمدید، واگذاری یا فسخ قراردادهاي کاري یا مطالعاتی مذکور در بند ۴ را که پیش از انتخاب نماینده منعقد کرده است، معین می‌کند.

اصل پنجاه و هشتم

بررسی و رسیدگی به شکایتهای در مورد صحت انتخابات چه در مورد روند انتخابات و نیز فقدان حسن اجرای مورد نظر قانون، از مسئولیتهای دیوان عالی کشور مذکور در اصل ۱۰۰ می‌باشد.

مبحث سوم

وظایف و حقوق نمایندگان

اصل پنجاه و نهم

- ۱- نمایندگان پیش از شروع وظایف خود در محل مجلس نمایندگان و در نشست عمومی سوگند زیر را یاد می‌کنند:
«به نام اقانیم سه گانه مقدس، هم ذات و جدایی‌ناپذیر سوگند یاد می‌کنم که به میهن و نظام مردمی وفادار باشم، قانون اساسی و قوانین را رعایت کنم و صادقانه به ایفای وظایف خویش بپردازم.»
- ۲- نمایندگان غیر ارتدوکس یا مذاهب دیگر همین سوگند را مطابق آیین یا مذهب خود یاد خواهند کرد.
- ۳- افرادی که در زمان تعطیلی مجلس به نمایندگی انتخاب می‌گردند، در برابر «بخش» مجلس سوگند یاد می‌کنند.

اصل شصتم

- ۱- حق نمایندگان در اظهار نظر و رای‌گیری براساس وجدانشان محدودیتی ندارد.
- ۲- استعفا از سمت نمایندگی حق نماینده می‌باشد، این امر با تسلیم يك اظهارنامه‌کتبی به رئیس مجلس نمایندگان انجام می‌گیرد و غیرقابل برگشت می‌باشد.

اصل شصت و یکم

- ۱- اعضای مجلس نباید به سبب اظهار عقاید و آرای خود در حین انجام وظایف نمایندگی تحت پی‌گرد یا بازجویی قرار گیرند.
- ۲- نماینده فقط برای هتك حرمت به موجب قانون و با مجوز قبلی از مجلس نمایندگان تحت تعقیب قرار می‌گیرند. دادگاه استیناف در این موضوع دارای صلاحیت می‌باشد. اگر مجلس ظرف چهل و پنج روز پس از اینکه رئیس مجلس شکایت را دریافت کرد، اعلام نظر ننماید، این مجوز به طور قطعی رد شده محسوب می‌گردد.
- اگر مجلس اعطای مجوز را رد کند یا پس از گذشت مهلت یاد شده تصمیم اتخاذ نکند، عمل ارتكابی نماینده مجلس غیرقابل تعقیب محسوب می‌گردد.
- این بند فقط برای دوره قانونگذاری آینده قابل اجراست.
- ۳- نماینده نمی‌تواند اطلاعاتی را که در حین انجام وظیفه دریافت یا ارائه می‌کند، علنی نماید یا اشخاصی را که به وی

اطلاعات داده‌اند و یا به آنان اطلاعات داده است، ابراز نماید.

اصل شصت و دوم

در دوره قانونگذاری، هیچ يك از نمایندگان نباید بدون مجوز مجلس نمایندگان تحت پیگرد قرار گیرند، دستگیر شوند زندانی گردند یا محدودیتهای دیگری بر آنان اعمال شود. همچنین هیچ يك از اعضای مجلس منحل شده نباید برای جرایم سیاسی بین انحلال مجلس و تشکیل جلسه مجلس جدید تحت تعقیب قرار گیرد.

اگر مجلس نمایندگان ظرف مدت سه ماه پس از اینکه دادستان درخواست تعقیب را به رئیس مجلس ارائه نمود اعلام نظر نکند، مجوز رد شده قلمداد می‌گردد.

مهلت سه ماه در مدت تعطیلات مجلس به تعلیق درمی‌آید. در مورد جرم مشمول هیچ مجوزی لازم نیست.

اصل شصت و سوم

۱- نمایندگان حق دریافت حقوق و مستمری از دولت برای انجام وظایفشان می‌باشند. مبالغ آنها با اتخاذ تصمیم مجلس نمایندگان در نشستی با حضور کلیه اعضا معین می‌گردد.

۲- نمایندگان از معافیت هزینه‌های پستی، تلفنی، حمل و نقل برخوردارند که مقدار آن با اتخاذ تصمیم مجلس نمایندگان در نشستی با حضور کلیه اعضا معین می‌گردد.

۳- در صورتی که يك نماینده بیش از پنج جلسه در ماه غیبت غیرموجه داشته باشد، يك سیام حقوق ماهانه وی برای هر جلسه به اجبار کسر می‌گردد.

مبحث دوم

تشکیلات و نحوه کار مجلس

اصل شصت و چهارم

مجلس نمایندگان برای کارهای سالیانه قانوناً در نخستین دوشنبه ماه اکتبر هر سال برای اجلاس عادی خود تشکیل جلسه می‌دهد، مشروط بر آنکه رئیس جمهور به موجب اصل چهل و دو تر مجلس را دعوت به جلسه نکند.

۲- مدت اجلاس عادی نمی‌تواند، بدون احتساب زمان تعلیق پیش‌بینی شده در اصل ۴۰، کمتر از پنج ماه باشد.

اجلاسیه عادی به اجبار تا رای‌گیری قانون بودجه مطابق اصل ۷۹ یا قانون رای‌گیری قانون خاص پیش‌بینی شده در همین اصل به طول می‌انجامد.

اصل شصت و پنجم

۱- مجلس نمایندگان با يك آیین‌نامه شرایط کارکرد آزاد و دموکراتیک خود رامعین می‌کند. این آیین‌نامه را در جلسه‌ای با حضور کلیه اعضا به موجب اصل ۷۶ تصویب می‌گردد و در روزنامه رسمی به دستور رئیس مجلس منتشر می‌گردد.

۲- مجلس نمایندگان از بین اعضایش رئیس و سایر اعضای هیأت رئیسه را طبق مفاد آیین‌نامه انتخاب می‌کند.

۳- رئیس و نایب رئیس مجلس نمایندگان در آغاز هر دوره قانونگذاری انتخاب می‌شوند. این مفاد در مورد رئیس و نایبان رئیس که در نخستین اجلاس پنجمین مجلس نمایندگان بازرنگری که هنوز ادامه دارد، مجری نیست.

۴- رئیس مجلس کارهای مجلس را هدایت می‌کند، نظارت می‌کند که روند کارها بدون پاسخ تضمین گردد، آزادی عقیده و بیان نمایندگان تضمین گردد، نظم رعایت گردد، و وی می‌تواند حتی اقدامات انضباطی علیه نمایندگان تخطی کننده طبق مفاد آیین‌نامه اتخاذ نماید.

۵- برای شرکت مجلس نمایندگان در کار قانونگذاری، يك سرویس علمی می‌تواند در مجلس توسط آیین‌نامه تشکیل گردد.

۶- آیین‌نامه تشکیلات سرویسهای مجلس نمایندگان را زیر نظر رئیس مجلس و هر آنچه به کارکنان مربوط می‌گردد، تعیین می‌کند. از اعمال رئیس مجلس در مورد استخدام و وضعیت کارکنان مجلس می‌توان قانوناً به دادگاه عالی ادارات شکایت برد یا شکایت در مورد تخطی و تجاوز از اختیارات اداری نمود.

اصل شصت و ششم

۱- مجلس نمایندگان به طور علنی در کاخ آن تشکیل جلسه می‌دهد؛ با این حال، اگر در جلسه محرمانه و اکثریت آراء تصمیم‌گیری شود، مجلس می‌تواند به درخواست دولت یا پانزده نماینده مذاکرات را در پشت درهای بسته انجام دهد. در ادامه در مورد اینکه مذاکرات درباره همان موضوع باید در نشست علنی تکرار شود یا خیر، تصمیم‌گیری می‌شود.

۲- وزیران و معاونان وزیران می‌توانند آزادانه در جلسات مجلس نمایندگان شرکت نمایند و در صورت تقاضا می‌توانند در مجلس آزادانه صحبت کنند.

۳- مجلس نمایندگان و کمیسیونهای پارلمانی می‌توانند از وزیر یا معاون‌ذی‌صلاح تقاضا کنند برای موضوع مورد بحث آنها در مجلس حضور یابند.

کمیسیونهای پارلمانی حق دارند از طریق وزیر ذی‌صلاح هر کارمند رسمی دولت را که برای کارشان مفید بدانند، احضار نمایند.

اصل شصت و هفتم

مجلس نمایندگان فقط با اکثریت مطلق اعضای حاضر می‌تواند به رای‌گیری بپردازد. این اکثریت نباید کمتر از یک چهارم کل نمایندگان باشد.

در صورت تساوی آراء، رای‌گیری مخفی تکرار می‌گردد و اگر دوباره آراء مساوی‌گردد پیشنهاد رد می‌شود.

اصل شصت و هشتم

در آغاز هر اجلاس عادی، مجلس نمایندگان از میان اعضای کمیسیونهای پارلمانی تشکیل می‌دهد تا به تهیه و بررسی لوایح و طرحهای قانونی وصول شده بپردازند. تهیه و بررسی آنها در حیطه صلاحیت مجلس با حضور تمام اعضا یا «بخشهای» مجلس است.

۲- به پیشنهاد یک پنجم کل اعضای نمایندگان و با تصمیم اکثریت دو پنجم مجموع نمایندگان، مجلس نمایندگان کمیسیونهای تحقیق متشکل از اعضای تشکیل می‌دهد.

برای تشکیل کمیسیونهای تحقیق در مورد مسائل مربوط به سیاست خارجی و دفاع ملی تصمیم مجلس نمایندگان که با اکثریت مطلق کل اعضا اتخاذ می‌گردد، ضروری است. نحوه تشکیل و کارکرد کمیسیونها را آیین‌نامه مجلس معین می‌کند.

۳- کمیسیونهای پارلمانی و کمیسیونهای تحقیق و بخشهای مجلس نمایندگان به‌موجب اصلهای ۷۰ و ۷۱ همان گونه که آیین نامه مجلس پیش‌بینی شده است، به تناسب از قدرت پارلمانی احزاب: گروهها و نمایندگان تشکیل می‌گردد.

اصل شصت و نهم

هیچ کس حق ندارد بدون آنکه دعوت شده باشد در مجلس برای ارائه عرضحال شفاهی یا کتبی حضور یابد. عرضحالها باید از طریق یک نماینده ارائه شود یا به رئیس مجلس تسلیم می‌گردد.

مجلس حق دارد عرض‌حالهای دریافتی را به وزیران و معاونان ار سال کنند. آنان در صورت درخواست، آنان باید پاسخهای صریح ارائه نمایند.

اصل هفتم

۱- مجلس نمایندگان قوانین را با حضور کلیه اعضا وضع میکند.

۲- آیین‌نامه مجلس نمایندگان میتواند پیش‌بینی کند که وضع قوانینی مشخص را با توجه محدودیتهای اصل ۷۲ در حداکثر دو بخش صورت پذیرد. تشکیل و کارکرد «بخشها» با اکثریت قاطع کل اعضای نمایندگان برای هر بار در آغاز هر اجلاس توسط مجلس نمایندگان تصمیم‌گیری میشود.

۳- آیین‌نامه مجلس همچنین حیطه صلاحیتهای وزیران را در «بخشها» معین میکند-۴- به استثنای مقررات مغایر، مفاد نظامنامه مربوط به مجلس نمایندگان در مورد هیأت رئیسه و کمیسیونهای مجری است.

۵- اکثریت آرای لازم برای تصمیم‌گیری کمیسیونها نمیتواند کمتر از دو پنجم تعداد کل اعضا کمتر باشد.

۶- مجلس نمایندگان با حضور کلیه اعضا حداقل دوبار در هفته همان‌گونه که در آیین‌نامه مجلس پیش‌بینی شده است، نظارت پارلمانی دارد.

اصل هفتم و یکم

در فاصله میان اجلاسها، وضع قوانین مجلس نمایندگان به استثنای آنهایی که مطابق اصل ۷۲ مستلزم حضور کلیه اعضای میباشد، در نمیتواند توسط يك «بخش» که مطابق بند سوم اصل ۶۸ بند اصل ۷۰ تشکیل گردیده و انجام وظیفه میکند، صورت پذیرد.

آیین‌نامه مجلس میتواند ارائه لوایح و طرح‌های قانونی را توسط يك کمیسیون پارلمانی مرکب از اعضای لمان Lect پیش‌بینی نماید.

اصل هفتم و دوم

۱- در جلسه مجلس نمایندگان که تمام اعضا حضور دارند، آیین‌نامه مجلس به بحث و رای گذاشته میشود و لوایح و طرحهای قانونی در مورد انتخاب نمایندگان، موضوعات پیش‌بینی شده در اصلهای ۳، ۱۳، ۲۷، ۲۸ و بند ۱ اصل ۳۶ اجرا و از آزادیهای عمومی، کارکرد سیاسی تفویض

قانونگذاری به موجب بند ۴ اصل ۴۳، مسئولیت وزیران، حکومت نظامی، مستمری رئیس جمهوری، تفسیر رسمی قوانین به موجب اصل ۷۷ و نیز هر موضوعی که در حیطه اختیارات مجلس با حضور کلیه اعضا می‌باشد، به موجب مقررات پیش‌بینی شده در قانون اساسی و نیز موضوعاتی که برای تدوین مقررات آن اکثریت آرای اعضای مجلس لازم است.

در مجلس با حضور تمام اعضا قانون بودجه و صورتهای مالی دولت را تصویب می‌کنند.

۲- بحث و رای‌گیری در مورد اظهار یا در مورد کل لوایح طرحهای قانونی می‌تواند به يك «بخش» مجلس نمایندگان همان‌گونه که در اصل ۷۰ پیش‌بینی شده است، واگذار گردد.

۳- «بخش» که تصویب يك لایحه یا طرح قانونی را برعهده گرفته است، به طور قطعی در مورد صلاحیت خود اظهار نظر می‌کند و حق دارد، هر گونه اختلاف در این مورد را با اتخاذ تصمیم با اکثریت مطلق کل اعضایش به مجلس نمایندگان با حضور تمام اعضا ارجاع دهد.

۴- دولت می‌تواند به جای برای بحث و رای‌گیری يك لایحه قانونی دارای اهمیت را به جای مجلس نمایندگان با حضور تمام اعضا تسلیم نماید.

۵- مجلس نمایندگان با حضور کلیه اعضا می‌تواند با اتخاذ تصمیم با اکثریت مطلق آرای کل نمایندگان تقاضا نماید که يك لایحه یا طرح قانونی که در دستور کار يك «بخش» قرار دارد، در مورد اصلها یا کل آن به بحث و رای گذاشته شود.

مبحث پنجم

کار قانونگذاری مجلس نمایندگان

اصل هفتاد و سوم

۱- حق تقدیم لوایح به مجلس نمایندگان و دولت تعلق دارد.

۲- وزیر امور دارای منحصراً لایحه قانونی که به هر صورتی راجع به تخصیص اعتبار مالی و شرایطشان باشد، پس کسب نظر دیوان محاسبات تقدیم می‌کند. در صورتی که این اعتبارات بر بودجه مجامع محلی یا سایر اشخاص حقوقی حقوق عمومی بار مالی تحمیل کند آنها را وزیر ذیصلاح و وزیر امور دارای تقدیم می‌کنند.

اعتبارات مالی باید در لوایح ویژه‌ای تقدیم گردند. درج مواد مربوط به اعتبارات درقوانینی که وضع سایر مقررات را مطمح نظر قرار می‌دهند، مجاز نیست و بی‌اعتبار است.

۳- هیچ گونه طرح قانونی، اصلاح، مقررات اضافی که از طرف مجلس نمایندگان تقدیم می‌شود، در صورتی که اعطای مقرری، مستمری، امتیاز به نفع یک شخص به‌طور کلی، باعث تحمیل هزینه‌ها یا کاهش عایدات یا درآمدهای آن به دولت، مجامع محلی یا سایر اشخاص حقوقی حقوق عمومی گردد، به بحث گذاشته نمی‌شود.

۴- با این حال، اصلاحیه یا مقررات اضافی که رئیس یک حزب یا نماینده یک گروه پارلمانی به موجب مفاد بند ۳ اصل ۷۴ در خصوص لوایح قانونی مربوط به تشکیلات خدمات عمومی و سازمانهای عام‌المنفعه، وضعیت کلی کارمندان دولت، نظامیان نیروهای امنیتی، نمایندگان مجامع محلی یا سایر اشخاص حقوقی حقوق عمومی و نیز موسسات دولتی به‌طور عام تقدیم می‌کند، قابل دریافت است.

۵- هر لایحه قانونی که مالیات‌هایی محلی یا ویژه و یا هر نوع هزینه‌ای را به نفع تشکیلات یا اشخاص حقوقی حقوق عمومی یا خصوصی وضع می‌کند، باید به امضای ثانوی وزیر «هماهنگ کننده» و وزیر دارایی برسد.

اصل هفتاد و چهارم

هر لایحه و طرح قانونی الزاماً با گزارش دلایل همراه خواهد بود. پیش از ورود آن به مجمع عمومی یا «بخش» مجلس نمایندگان، می‌توان آن را پس از تأسیس سرویس علمی طبق مقررات مجلس برای اعلام نظر حقوقی به آنجا فرستاد.

۲- لوایح و طرحهای قانونی ارسال شده به مجلس نمایندگان به کمیسیون پارلمانی‌ذی صلاح فرستاده می‌شود. سه روز پس از تسلیم گزارش کمیسیون یا انقضای مهلت تعیین یا بدون تسلیم گزارش پس از انقضای معین شده، به شرط آنکه وزیر ذی‌صلاح آنها را فوری اعلام نکرده باشد. این لوایح طرحها به امر شور به مجلس ارائه می‌گردد.

۳- اصلاحات نمایندگان در مورد لوایح و طرحهای قانونی که در حیطه اختیارات مجمع عمومی یا «بخش» قرار دارد، تنها در صورتی که بحث گذاشته خواهد شد که آنها را تا روز قبل آغاز مذاکرات به شرطی که دولت به بحث در مورد آنها رضایت داده باشد، تسلیم شده باشند.

۴- يك لايحه يا طرح قانوني كه راجع به تغيير مفاد قانوني باشد، تنها هنگامي به بحث گذاشته خواهد شد كه متن كامل مفاد آن در گزارش دلايل ضميمه مي شود و نيز هر گونه مقررات جديدي كه ناشي از تغييرات مي باشد، در متن لايحه يا طرح قانوني درج گردد.

۵- لايحه يا طرح قانوني كه داراي مقرراتي بيارتباط با موضوع اصلي مي باشند به بحث گذارده نخواهد شد. هيچ ماده اضافي يا هيچ اصلاحي اگر با موضوع اصلي لايحه يا طرح قانوني بيارتباط باشد، به بحث گذارده نخواهد شد. در صورت اختلاف، مجلس آن را حل خواهد كرد.

۶- در دستور جلسه آينده و روز آن را كه آيين نامه مجلس معين مي كند، در دستور جلسه پيشين تثبيت مي شود و طرح هاي قانوني معوق به بحث گذارده مي شود.

اصل هفتاد و پنجم

لايحه قانوني تسليم شده توسط وزيران كه بر بودجه سنگيني كند، در صورتي به بحث گذاشته مي شود كه با گزارش تعيين هزينه ها از اداره كل محاسبات دولتي همراه باشد. هر طرح قانوني مشابه كه نمايندگان تسليم كنند، پيش از هرگونه بحثي به اداره كل محاسبات دولتي ارسال مي گردد كه اين اداره گزارش را ظرف ۱۵ روز تسليم خواهد كرد. در صورت عدم ارائه گزارش ظرف اين مهلت، طرح قانوني حتي به آن هم به بحث گذاشته خواهد شد.

۲- در مورد اصلاحاتي كه وزيران آنها را تقاضا مي كنند به همين شيوه عمل مي گردد. در اين حالت، اداره كل محاسبات دولتي بايد گزارش خود را در ظرف سه روز تسليم نمايد. در صورت عدم ارائه گزارش در اين مهلت، بدون آن بحث شروع مي شود.

۳- در صورتي لايحه قانوني كه باعث هزينه يا كاهش درآمدها مي شود* به بحث گذاشته مي شود كه با يك گزارش ويژه درباره روش جبران آن كه به امضاي ثانوي وزير ذي صلاح و وزير دارايي رسيده است، همراه باشد.

اصل هفتاد و ششم

۱- هر لايحه يا طرح قانوني كه به مجمع عمومي يا «بخش هاي» مجلس نمايندگان مي رسد، تنها يكبار در مورد مواد يا تمام آن به شور و رأي گيري گذاشته مي شود.

۲- در موارد استثنایی و بنا به تقاضای یک سوم کل نمایندگان پیش از وارد شدن به بحث و گفتگوی اصلی، لوایح و طرحهای قانونی به مجمع عمومی مجلس نمایندگان دوبار و در طی دو نشست جداگانه که حداقل به فاصله دو روز تشکیل شده باشد، به سود رای گذاشته میشود: در این حالت، شور و رایگیری بر روی اصل و مواد آن در نخستین نشست و در دومین نشست ماده به ماده و در مورد کل آن رایگیری میشود.

۳- اگر در جریان مذاکرات، اصلاحات به تصویب برسد، رایگیری در مورد مجموع آن، بیست و چهار ساعت پس از توزیع لوایح یا طرح قانونی مورد اصلاح رایگیری انجام میگردد.

۴- لایحه یا طرح قانونی که دولت فوری اعلام نماید، پس از بحث محدود که علاوه بر گزارشگران دو طرف، نخستوزیر یا وزیر ذیصلاح، رئیسان احزاب مجلس نمایندگان و یک نماینده از هر یک از آنها شرکت میکنند، به رای گذاشته میشود. آییننامه مجلس میتواند مدت نطقها و زمان مذاکرات را محدود نماید.

۵- دولت میتواند تقاضا کند که یک لایحه یا طرح و قانونی که از اهمیتی خاص برخوردار است یا جنبه فوری دارد، در نشستهای محدودتری که بیشتر از سه جلسه نباشد، به بحث گذاشته شود. مجلس نمایندگان میتواند به پیشنهاد یک دهم کل نمایندگان به مدت دو جلسه دیگر ادامه یابد. مدت زمان هر نطق را آییننامه مجلس معین میکند.

۶- تصویب مجموعه قوانین حقوقی یا قضایی که کمیسیونهای ویژه تشکیل شده توسط قوانین خاص گردآوری کرده اند، میتواند در مجمع عمومی مجلس نمایندگان توسط یک قانون خاص با اصلاح بر روی کل این مجموعه ها انجام گیرد.

۷- به همان شیوه میتواند مقررات موجود با طبقه بندی ساده یا تدوین گردد یا در کل قوانین منسوخ به استثنای قوانین مالی درباره مجری گردد.

۸- یک لایحه یا طرح قانونی که در مجمع عمومی یا یکی از بخشهای مجلس نمایندگان رد شده باشد، مجدداً نمیتواند در طی همان اجلاس یا در بخشی که پس از تعطیلی مجلس به کار ادامه میدهد، مطرح شود.

اصل هفتاد و هفتم

۱- تفسیر قوانین به طور رسمی به قوه قضاییه تعلق دارد.

۲- قانوني که در واقع قابل تفسیر نیست، فقط پس از انتشار آن نافذ خواهد بود.

مبحث ششم

مالیات و امور مالی

اصل هفتاد و هشتم

۱- هیچ گونه مالیاتی نباید بدون يك قانون صوري که فرد مالیات دهنده و مقدار مالیات و نیز نوع عواید، هزینه ها و فعالیتهاي مالی و نوع فعالیت برقرار یا دریافت گردد.

۲- هیچ گونه مالیاتی یا بار مالی را يك قانون که عطف به سابق می شود، نمی تواند برقرار کند که سال مالی ماقبل از سال برقراری مالیات وضع گردد.

۳- استثنائاً دریافت عواید و افزایش مالیات مربوط به واردات و صادرات یا مالیات بر مصرف از روزه مجاز است که لایحه مربوط به مجلس نمایندگان تقدیم می گردد و با این شرط که قانون در مهلت پیش بینی شده در بند يك اصل ۴۲ یا در هر صورت تا حداکثر ظرف ده روز پس از تشکیل جلسه مجلس، انتشار یابد.

۴- مأخذ و نرخ عواید، تخفیفها و معافیتهاي مالیاتی و تخصیص مستمری نمی توانند موضوع نیابت قانونی قرار گیرد. این ممنوعیت در تضاد با قانونی نیست که چگونگی شرکت دولت و سازمانهاي دولتی را به طور کلی در افزایش خود کار بهای اموال غیر منقول خصوصی مربوط به فعالیتهاي دولتی را به هنگامی که این افزایش منحصراً به علت عملیات اجرایی می باشد، مشخص می کند.

۵- به طور استثناء از طریق نیابت اعطا شده از قوانین موضوعه، می توان در عوارض گمرکی تعادل و برقرار و یا آن را حذف و نیز اتخاذ تدابیر اقتصادی در چارچوب روابط بین المللی کشور با سازمانهاي اقتصادی یا که موقعیت کشور را در زمینه ارزی تضمین می کند، اتخاذ گردد.

اصل هفتاد و نهم

۱- مجلس نمایندگان در طی اجلاس عادی سالانه خود، قانون بودجه را که درآمدها و هزینه هاي دولت را برای سال جاری تصویب می کند.

۲- همه درآمدها و فرایندهاي دولت در لایحه سالانه بودجه و مالی ثبت باشد.

۳- قانون بودجه توسط وزیر امور مالی به مجلس نمایندگان حداقل یک ماه پیش از آغاز سال مالی تسلیم می‌گردد؛ این لایحه طبق مفاد آیین‌نامه مجلس که حق ابراز عقاید را در مورد بخشهای سیاسی در مجلس تضمین می‌کند، تصویب می‌گردد.

۴- اگر بنا به دلایلی اجرای درآمدها و هزینه‌ها براساس قانون بودجه غیرممکن است، انجام این کار هر بار به موجب یک قانون خاص انجام می‌گیرد.

۵- اگر به دلیل اتمام دوره قانون‌گذاری، تصویب قانون بودجه یا قانون خاص‌پیش‌بینی شده در بند پیشین، ممکن نباشد، اجرای قانون بودجه سال مالی پایان یافته یا در حال اتمام به مدت چهار ماه از طریق حکم قانونی به پیشنهاد شورای وزیران تمدیدخواهد شد.

۶- قانون می‌تواند اجازه دهد قانون بودجه برای ده سال اجرا گردد.

۷- قانون مالی و ترازنامه عمومی دولت یک سال پس از پایان سال مالی به مجلس نمایندگان تسلیم گردد. یک کمیسیون پارلمانی خاص آنها را بررسی و مجلس طبق مفاد آیین‌نامه اش تصویب می‌کند.

۸- برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی را مجلس نمایندگان با حضور کلیه اعضا همان گونه که در قانون پیش‌بینی شده است، تصویب می‌نماید.

اصل هشتم

۱- هیچ گونه مقرری، مستمری، اعانه یا پاداش در قانون بودجه دولتی ثبت نمی‌شود و اعطا نمی‌گردد جز به موجب یک قانون بنیادی یا یک قانون خاص دیگر.

۲- قانون نحوه ضرب و انتشار پول را معین می‌کند.

فصل چهارم

دولت

مبحث اول

ترکیب و وظیفه دولت

اصل هشتم و یکم

۱- هیأت وزیران که مرکب از نخست‌وزیر و وزیران می‌باشد، دولت را تشکیل می‌دهد. ترکیب و وظیفه هیأت وزیران را قانون تعیین می‌کند. نخست‌وزیر با یک فرمان می‌تواند یک یا تعداد

بیشتری از وزیران را به عنوان معاون نخست‌وزیر منصوب نماید.

قانون، نظامنامه جانشینان وزیر، وزیران مشاور، معاونان وزیر را که می‌تواند عضو هیأت وزیران باشند و نیز معاونان وزیر دائمی را معین می‌کند.

۲- هیچکس نمی‌تواند به عضویت دولت یا سمت معاونت وزارت منصوب گردد مگر آنکه شرایط لازم را برای نمایندگی شدن طبق اصل ۵ داشته باشد.

۳- هرگونه فعالیت رسمی اعضای دولت، معاونان وزیران و رئیس مجلس‌نمایندگان در مدت وظیفه‌شان به تعلیق درمی‌آید.

۴- قانون می‌تواند موارد مغلایرت سمت وزارت و معاونت وزارت را با سایر فعالیتها مشخص نماید.

۵- در نبود یک معاون رئیس جمهوری، نخست‌وزیر در صورت لزوم جانشینی را به عنوان کفیل وی از میان وزیران مشخص می‌کند.

اصل هشتماد و دوم

۱- دولت سیاست کلی کشور را مطابق با مفاد این قانون اساسی و سایر قوانین مشخص هدایت می‌کند.

۲- نخست‌وزیر وحدت دولت را تضمین و فعالیت‌های دولت و نیز خدمات عامه را به طور کلی به منظور اجرای سیاست دولت در چارچوب قوانین رهبری می‌کند.

اصل هشتماد و سوم

هر وزیر اختیارات تعیین شده به موجب قانون را اجرا می‌کند. وزیران مشاور اختیارات اعطا شده به موجب حکم نخست‌وزیر را اجرا می‌کنند.

۲- معاونان وزیر اختیارات اعطا شده به موجب حکم مشترک نخست‌وزیر و وزیرمربوط را اجرا می‌نمایند.

مبحث دوم

روابط میان مجلس نمایندگان دولت

اصل هشتماد و چهارم

۱- دولت باید از اعتماد مجلس برخوردار باشد. پانزده روز پس از ادای سوگند نخست‌وزیر، دولت باید از مجلس رای اعتماد بخواهد. همچنین می‌تواند در هر زمان دیگری نیز آن را بخواهد. اگر به هنگام تشکیل دولت، مجلس فعالیت نداشته

با شد، مجلس برای دادن رای اعتماد ظرف پانزده روز دعوت می‌گردد.

۲- مجلس نمایندگان می‌توانند تصمیم به پس گرفتن رای خود از دولت یا یک عضو دولت بنمایند. یک استیضاح فقط زمانی می‌تواند مطرح گردد که شش ماه از استیضاح دیگر توسط مجلس گذشته باشد. استیضاح باید حداقل یک ششم نمایندگان امضا کرده باشند و در آن موضوعات مورد بحث به روشنی تنظیم شده باشد.

۳- اگر اکثریت کل نمایندگان امضا نمایند به طور استثناء، استیضاح می‌تواند پیش از اینکه مهلت مذکور گذشته باشد، تسلیم گردد.

۴- بحث در مورد رای اعتماد یا استیضاح پس از یک دقیقه دو روزه پس از تسلیم آنها صورت می‌گیرد مشروط بر آنکه دولت در مورد استیضاح تقاضای افتتاح فوری آن را نکند. در هر صورت، بحث نمی‌تواند پس از سه روز از آغاز آن طول بکشد.

۵- رای مخفی در مورد رای اعتماد و طرح استیضاح فوراً پس از بحث صورت می‌گیرد. با وجود این، اگر دولت تقاضا کند، می‌تواند ۴۸ ساعت به تعویق افتد.

۶- موضوع اعتماد فقط هنگامی پذیرفته است که به تصویب اکثریت مطلق نمایندگان حاضر برسد. با این حال، این اکثریت نباید کمتر از دو پنجم کل نمایندگان باشد. حکم استیضاح هنگام قابل پذیرش است که اکثریت مطلق تعداد کل نمایندگان تصویب نمایند.

۷- وزیران و معاونان وزیر که عضو مجلس نمایندگان هستند، می‌توانند در موضوعات طرح‌های بالا رای دهند.

اصل هشتم و پنجم

اعضای شورای وزیران و نیز وزیران مشاور به طور دسته‌جمعی در قبال سیاست کلی دولت مسئول هستند و هر یک از آنان طبق مفاد قوانین مربوط به مسئولیت وزیران، در برابر اعمال یا سهل‌انگاریها خود در حوزه صلاحیتشان مسئول هستند. به هیچ وجه دستور نوشتاری یا گفتاری رئیس جمهور نمی‌تواند وزیران و مشاوران وزیران را از مسئولیتشان معاف کند.

اصل هشتم و ششم

۱- مجلس نمایندگان به موجب قوانین مربوط به مسئولیت وزیران حق دارد افرادی را که جزو اعضای دولت وزیران مشاور

بوده و هستند، متهم نماید و به دادگاهی ویژه ای فراخواند. رئیس دیوان کشور ریاست این دادگاه را برعهده دارد. که این دادگاه متشکل از قاضیان است که رئیس مجلس نمایندگان به حکم قرعه در جلسه ای علنی از میان مشاوران دیوان کشور و همه رؤسای دادگاه های استیناف که پیش از اقامه اتهام به موجب قانون منصوب شده اند، برمیگزینند.

۲- هیچ گونه پیگرد، بازپرسی و تحقیق مقدماتی در مورد اشخاص مذکور در بندیک برای اعمال و سهل انگاریهای در حین انجام وظایفشان بدون پیشنهاد ویژه ای قبلی مجلس نمایندگان مجاز نیست.

چنانچه در جریان یک تحقیق اداری، عناصری طبق مفاد قانون مربوط به مسئولیت وزیران، کسانی که به تحقیق پرداخته اند، پس از پایان تحقیق، این را از طریق دادستان صالح به مجلس ارائه می کنند فقط مجلس نمایندگان حق تعلیق پیگرد جزایی را دارد.

۳- در صورتی که آیین رسیدگی مطرح پس از پیشنهاد اقامه اتهام یک وزیر یا وزیر مشاور به هر دلیل مثلاً مرور زمان به سرانجام نرسید، مجلس نمایندگان با تقاضای فرد متهم می تواند با پیشنهاد کمیسیون خاصی از نمایندگان و قاضیان عالی رتبه تشکیل دهدها به موجب قانون به بررسی اتهام پردازد.

فصل پنجم

قوه قضاییه

مبحث نخست

قاضیان و کارمندان دادگاه ها

اصل هشتاد و هفتم

۱- عدالت را دادگاه ها اجرا می کنند که از قاضیان نشسته تشکیل شده اند که دارای استقلال شغلی و شخصی هستند.

۲- قاضیان در اجرای وظایفشان فقط تابع قانون اساسی و قوانین هستند؛ آنان به هیچ وجه مجبور نیستند خود را با مفاد ناشی از فسخ قانون اساسی خود را منطبق کنند.

۳- بازجویی قاضیان نشسته را قاضیان دیگری با رتبه بالاتر و دادستان کل و معاونان دادستان کل در دیوان کشور انجام می گیرد و بازجویی دادستانها را مشاوران دیوان کشور و

دادستانهای با رتبه بالاتر طبق شرایط پیشبینی شده در قانون انجام گیرد.

اصل هشتم و هشتم

۱- قاضیان با فرمان ریاست جمهوری به موجب قانونی که شرایط و شیوه استخدام آنان را مشخص می‌کند، برای تمام مدت عمر منصوب می‌شوند.

۲- حقوق قاضیان به تناسب کارکرد آنان است. کیفیت ترفیع رتبه و افزایش حقوق و نیز نظامنامه عمومی آنان را قوانین خاصی تنظیم می‌کند.

۳- قانون حداکثر یک دوره سه ساله را برای آموزش و آزمون قاضیان، پیش از آنکه به سمت قاضی نشسته منصوب شوند، پیش‌بینی می‌نماید. در طی دوره آنان حتی‌تواند به موجب قانون در سمتهای قاضی نشسته انجام وظیفه نمایند.

۴- قاضیان را فقط به موجب یک حکم قضایی، به دلیل محکومیت کیفری یا خطای سنگین انضباطی یا بیماری یا ناتوانی یا بی‌کفایتی شغلی که به شیوه‌ای پیش‌بینی شده در قانون و با رعایت مفاد بندهای ۲ و ۳ اصل ۹۳ تأیید گردد، می‌توان عزل و اخراج کرد.

۵- قاضیان حتی تا رتبه مشاور و وکیل عمومی دادگاه استیناف و تمام کسانی که رتبه معادل آنها را دارند، ناگزیر خدمت را در سن ۶۵ سالگی تمام ترک می‌کنند؛ تمام قاضیانی که رتبه‌های بالاتر از قاضیان پیشین دارند و قاضیان با رتبه معادل پس از رسیدن به سن شصت و هفت سالگی تمام خدمت را به پایان می‌برند. برای اجرای این مقررات، ۳۰ ژوئن سال آغاز بازنشستگی قاضی در تمام موارد به عنوان تاریخ محدودیت سن مذکور محسوب می‌شود.

۶- جابه‌جایی در میان قاضیان ممنوع است. به طور استثناء، جابه‌جایی قاضیان نشسته به منظور پر کردن سمتهای وکیل عمومی در دیوان کشور تا نیمی از تعداد این سمتها و نیز در میان قاضیان جانشین در دادگاه‌های به وی و قاضیان جانشین ایستاده به تقاضای ذی‌نفعان به موجب قانون می‌تواند جابه‌جا شوند.

۷- ریاست دادگاه‌ها یا شوراها به ویژه در قانون اساسی پیش‌بینی شده‌اند و در آنان اعضای شورای دولت و دیوان کشور

شرکت می‌کنند، در میان آنان بر عهده فردی است که در رتبه با سابقه‌تر باشد.

ماده تفسیری، طبق مفهوم دقیق اصل ۸۸، انتصاب به سمتهای مشاوران قضایی و مشاوران ممیز در دیوان محاسبات براساس کیفیت پیش‌بینی شده در قانون مجاز است.

اصل هشتاد و نهم

۱- برای قاضیان پذیرش هر گونه کار همراه با حقوق و نیز انجام هر حرفه دیگری ممنوع است.

۲- به طور استثناء، انتخاب قاضیان به عنوان مثال اعضای فرهنگستان یا استادان یا استادان مدرسه‌های عالی و نیز شرکت آنان در دادگاههای اداری ویژه و در شوراها یا کمیسیونها به استثنای شورای اداری موسسات و شرکتهای تجاری مجاز است.

۳- همچنین مجاز است که به موجب قانون به قاضیان مشاغل اداری خواه به موازات انجام و مشاغل اصلی برای مدت زمان معینی اعطا گردد.

۴- شرکت قاضیان در دولت ممنوع است.

۵- تشکیل اتحادیه قاضیان به موجب قانون مجاز است.

اصل نودم

۱- ارتقاء، انتصاب وی به شغلی دیگر، جابه‌جایی، انتقال موقت، انتصاب شخص دیگر به جای وی در هیات قاضیان با فرمان ریاست جمهوری که شورای عالی قضایی آن را از پیش تصویب می‌کند، انجام می‌گیرد. این شورا به موجب قانون از رئیس دادگاه عالی قضایی مربوط و اعضای همان دادگاه که به حکم قرعه از میان افراد دارای سابقه دوسال در آن دادگاه انتخاب می‌شوند، تشکیل شده است. دادستان کل در دیوان استیناف و رئیس کل دیوان محاسبات در شورای عالی هیأت قاضیان دادگاه‌های مدنی و جزایی شرکت می‌کنند.

۲- اعضای شورای پیش‌بینی شده در بند یک به موجب قانون احکام مربوط به ارتقادر سمتهای مشاور دولت، مشاور دیوان کشور، وکیل کل در دیوان کشور، رئیس دادگاه استیناف، دادستان کل دادگاه استیناف و دیوان محاسبات را تأیید می‌کند. مفاد آخرین بند پاراگراف ۱ برحسب شرایط اجرا می‌شود.

۳- اگر وزیر با حکم شورای عالی قضایی مخالف باشد، می‌تواند به موجب قانون موضوع مورد قضاوت را به دادگاه عالی

قضایي مربوط که با حضور تمام اعضا تشکیل می‌شود، ارجاع دهد. این حق ارجاع در شرایطی پیش‌بینی شده در قانون برای قاضی که ترک خدمت کرده است، وجود دارد.

۴- تصمیماتی دادگاه عالی قضایی که با حضور تمام اعضا تشکیل می‌شود، در مورد موضوع ارجاع شده به آن و همچنین شورای عالی صاحب‌منصبان قضایی در مورد موضوع ارجاع شده به آن و همچنین شورای عالی صاحب‌منصبان قضایی در مورد وزیری که درباره آن مخالفت خود را ابراز نکرده است، برای وی اجرای آن لازم است.

۵- ارتقا در سمتهای ریاست و نایب ریاست شورای دولتی، دیوان کشور و دیوان محاسبات با فرمان ریاست جمهوری و به پیشنهاد شورای وزیران به گزینش از میان اعضای دادگاه عالی مربوط به موجب قانون صورت می‌گیرد.

ارتقای سمت دادستان کل دیوان کشور با فرمانی مشابه و با گزینش از میان اعضای دیوان کشور و وکیلان کل در اینجا انجام می‌گیرد.

۶- تصمیمها یا حکمها که مطابق این اصل اتخاذ می‌شود، دوباره نمی‌توانند به شورای دولتی بازگردانده شود.

اصل نود و یکم

۱- مسائل انضباطی در مورد قاضیان با ——— رتبه مشاور یا وکیل کل در دیوان کشور و قاضیان دارای رتبه معادل یا بالاتر از آن، توسط شورای عالی انضباطی به موجب قانون اجرا می‌گردد.

۲- شورای عالی انضباطی از رئیس شورای دولتی به عنوان رئیس، دو معاون رئیس شورای دولتی یا مشاوران سرمشاوران همان دیوان و نیز دو استاد عادی در زمینه حقوق مشاغل در دانشکده‌های حقوقی دانشگاه‌های کشور به عنوان عضو تشکیل شده است. اعضای شورا از میان افرادی که دست کم سه سال در دادگاه عالی مربوط یا یک دانشکده حقوق شاغل بوده‌اند، به حکم قرعه منصوب می‌شوند ——— اعضای که متعلق به همان دادگاهی است که عضو، وکیل کل یا کمیسر متعلق به آن است، از ترکیب شورا برای هر بار که در مورد اقدامی تصمیم‌گیری می‌کند که شورای برای اظهار نظر دعوت شده است، خارج می‌شوند. وقتی که موضوع تعقیب انضباطی علیه اعضای

شورای دولتی می‌باشد، رئیس دیوان کشور ریاست شورای عالی انضباطی را برعهده دارد.

۳- مسائل انضباطی در مورد قاضیان در حوزه های بدوی و استیناف (پژوهش) راهبردهای متشکل از قاضیان نشسته که به حکم قرعه برای ساس کیفیات پیش‌بینی شده در قانون تعیین شده‌اند، اجرا می‌گردد. اقدام انضباطی نیز توسط وزیر دادگستری انجام می‌گیرد.

۴- تصمیمات انضباطی که مطابق مفاد این اصل اتخاذ شده است، قابل ارجاع در شورای دولتی نیست.

اصل نود و دوم

۱- کارمندان دفتريهای تمام دادگاه‌ها و دادسراها کارمندانی هستند که تا زمانی که شغلها وجود دارند، به خدمت مشغول می‌باشند. آنان را فقط به موجب يك تصميم قضايي به دليل محكوميت جزايي يا به موجب يك تصميم شوراي قضايي به دليل خطاي سنگين انضباطي، بيماري، ناتواني جسمي يا بي‌کفائتي حرفه‌اي که به شیوه پیش‌بینی شده در قانون تایید شده باشد، از کار عزل یا اخراج گردد.

۲- صلاحیتهای لازم را برای کارمندان دفتريهای تمام دادگاه‌ها و دادسراها و نیز نظامنامه عمومی آنان را قانون تعیین می‌کند.

۳- ترفیع رتبه، انتقال، جابه‌جایی، انتقال موقت و تغییر سمت کارمندان دفتريهای دریافت اجازه از شورای قضايي صورت می‌گیرد. انضباطی در مورد آنان توسط قاضیان، دادستانها یا مامورانی که از نظر رتبه از آنان بالاتر شد و نیز شوراهای انضباطی همان طور که در قانون پیش‌بینی شده است. قابل تجدیدنظر هستند.

۴- سردفتران، کارمندان ثبت و اسناد و نیز مدیران دفتريهای ممیزی تا زمانی که خدمات و سمتهای آنان وجود دارد، در خدمت باقی می‌ماند. مفاد بندهای پیشین در مورد ماموران به شیوه‌ای مشابه‌ای اجرا می‌شوند.

۵- سردفتران، کارمندان ثبت و اسناد که حقوق بگیر نیستند در هفتاد سالگی اجباراً از کار کناره‌گیری می‌کنند، در حالی که سایرین در سنی که قانون معین کرده از کار کناره‌گیری می‌گیرند.

فصل دوم

سازماندهي و حوزه قضايي محاکم

اصل نود و سوم

۱- محاکم به لحاظ اداري به مدني و کيفري تقسيم ميشوند و قوانین خاص سازماندهي آنها را برعهده دارد.

۲- جلسات کليه محاکم علني است مشروط بر اينکه محکمه با اخذ تصميمي علني بودن جلسه را موجب خدشه دار شدن عفت عمومي بدانند يا در اين وضعيت دلايل خاصي براي حمايت از زندگي شخصي يا خانوادگي طرفين در دست باشد.

۳- کليه تصميمات قضايي بايد به روش خاص و کامي توجيه شود؛ تصميم مزبور در جلسه علني اعلام ميشود.

عقايد مخالف الزاماً چاپ و منتشر ميشوند. قانون چگونگي گنجاندن عقايد مخالف را احتمالاً در صورت جلسه و همچنين شرايط و موعد نشر آن را تعيين ميکند.

اصل نود و چهارم

۱- راي د عاوي اداري با اختيارات کامل به محاکم اداري عادي موجود تعلق دارد. آراي دعاوي مذکور که تاکنون به اين محاکم ارائه نگردیده است، الزاماً بايد ظرف پنج سال از تاريخ قابليت اجرايي يافتن اين قانون اساسي بايد به اين محاکم ارائه گردد، قانون ميتواند مدت مزبور را تمديد کند.

۲- تا احاله کليه دعاوي اداري کاملاً قضايي به محاکم اداري عادي، دعاوي مزبور چه به طور کلي و چه به طور طبقه اي، جز در مواردی که قانون خاص امر رسيدگي آن را به محاکم خاصي احاله کرده اند و در پيشگاه اين محاکم بندهاي ۲ تا ۴ اصل نود و سوم لحاظ ميشود، در صلاحيت محاکم مدني قرار ميگيرد.

۳- کليه دعاوي مربوط به حقوق خصوصي و همچنين امور قضاوت غير علني در صلاحيت محاکم مدني قرار ميگيرد، قانون امور قضاوتهاي غير علني را به اين محاکم احاله نموده است.

۴- کليه صلاحيتهايي را که قانون ماهيت اداري آنها را تعيين نموده است ميتواند به محاکم مدني يا اداري احاله شود.

اعلاميه تفسيری. محاکم مالياتي عادي، که طي حکم ۳۸۴۵.۱۹۵۸ ايجاد شده اند، منحصراً به مثابه محاکم اداري عادي مورد ملاحظه قرار ميگيرند.

اصل نود و پنجم

- ۱- موارد ذیل در حیطه صلاحیت شورای دولتی قرار می‌گیرد:
- الف) لغو ارجاع اسناد ارجاعی رؤسای ادارات به مراجع بالاتر به منظور دستیابی به قدرت یا نقض قانون.
- ب) نقض ارجاع تصمیمات محاکم اداری صادره در آخرین فرجام به مراجع بالاتر به منظور دستیابی به قدرت یا نقض قانون.
- پ) آراء دعاوی اداری با اختیارات کامل به موجب قانون اساسی یا سایر قوانین به‌شورا محول شده است.
- ت) تدوین کلیه تصویب نامه‌های دارای ویژگی آیین‌نامه‌ای.
- ۲- مفاد بندهای ۲ و ۳ اصل نود و سوم هنگام اعمال اختیارات پیش‌بینی شده در مورد ت) بند پیشین به اجرا در نمی‌آید.
- ۳- قانون ممکن است آرای برخی از مسایل مربوط به اختلاف در ابطال شورای دولتی را ضمن لحاظ صلاحیت شورای دولتی مبنی بر قضاوت در آخرین فرجام به محاکم اداری عادی با درجه دیگری ارجاع دهد.
- ۴- قانون صلاحیتهای شورای دولتی را تنظیم و اعمال و همچنین پیش‌بینی می‌کند.
- ۵- ادارات موظفند خود را با مصوبات ابطالی شورای دولتی تطبیق دهند. مسئولیت این نقض تعهد، همان طور که قانون پیش‌بینی کرده است، به عهده سازمان خاطی است.

اصل نود و ششم

- ۱- مجازات تخلفات و اخذ تدابیر پیش‌بینی شده در قوانین کیفری عادی تعلق دارد.
- ۲- قانون می‌تواند در موارد ذیل اقدام کند:
- الف) احاله تصمیم‌گیری در مورد تخلفات پلیسی در امر جرایم نقدي، به مسئولین عهده‌دار سمت پلیسی،
- ب) احاله تصمیم‌گیری در مورد بیمه روستایی و دعاوی شخصی ناشی از آن به مسئولین امنیتی روستاها.
- در هر دو مورد تصمیمات متخذه ضمن به تعلیق در آمدن، قابلیت طرح در مقابل محکمه صالحه عادی را داراست.
- ۳- قوانین خاص عملکرد محاکم رسیدگی به جرایم کودکان را تنظیم می‌کند؛ این محاکم مجازند که مفاد بندهای ۲ اصل نود و سوم و اصل نود و هفتم را اجرا نکنند.
- تصمیمات این محاکم پشت درهای بسته اعلام می‌شود.

۴- قوانین خاص موارد مشروحه ذیل را تنظیم می‌کند:
الف) کلیه امور مربوط به محاکم نظامی زمینی، دریایی و هوایی؛ این محاکم به‌مسایل امرا و افسران ارشد رسیدگی نمی‌کند؛

ب) کلیه امور مربوط به محاکم مواد مخدر.
۵- اکثریت اعضای محاکم پیش‌بینی شده در مورد الف) بند پیدشین از حقوق‌دانهای نیروهای نظامی هستند و از تضمینهای مربوط به استقلال شغلی و شخصی که در بند ۱ اصل هشتاد و هفتم این قانون اساسی پیش‌بینی شده است برخوردارند. مفاد بندها ۲ تا ۱۴ اصل سونهم در مورد جلسات و تصمیمات به اجرا در می‌آید. قانون چگونگی اجرای مفاد این بند و همچنین زمان قابلیت اجرایی یافتن آن را تعیین می‌کند.

اصل نود و هفتم

۱- به جرائم و جنحه سیاسی در محاکم دایری هیئت منصفه رسیدگی می‌شود؛ این محاکم متشکل است از قضات نشسته و اعضای هیئت منصفه به همان صورتی که قانون پیش‌بینی کرده است. تصمیمات این محاکم دارای امکان ارجاع به محکمه بالاتر پیش‌بینی شده در قانون هستند.

۲- جرائم و جنحه سیاسی که تا قابلیت اجرایی یافتن این قانون اساسی از سوی قوانین اساسی، قطعنامه‌ها و قوانین خاص به حوزه قضایی محکمه استیناف احاله شده‌بود، در این محاکم مورد رسیدگی قرار می‌گیرند مشروط بر اینکه قانون این امر را در حیطه صلاحیت محاکم دارای هیئت منصفه قرار نداده باشد. قانون می‌تواند سایر جرائم را نیز در حیطه صلاحیت محاکم استیناف قرار دهد.

۳- کلیه جرائم مطبوعاتی به همان صورتی که قانون پیش‌بینی کرده است در حیطه صلاحیت محاکم کیفری عادی قرار می‌گیرند.

اصل نود و هشتم

۱- موارد مشروحه ذیل در حیطه صلاحیت دیوان محاسبات قرار می‌گیرد:

الف) نظارت بر مخارج دولت و همچنین تقسیمات کشوری یا سایر اشخاص حقوقی از حقوق عمومی که قوانین خاص تحت نظارت مزبور قرار می‌دهد.

ب) ارائه گزارش مربوط به قانون بودجه و ترازنامه دولت به مجلس نمایندگان.

پ) اعلام نظر در مورد قوانین مربوط به مستمری یا به رسمیت شناختن خدماتی به مثابه ارائه حقوقی به مستمری، براساس بند ۲ اصل هفتاد و سوم و همچنین در مورد هر موضوعی که قانون تعیین کرده باشد.

قضات عالی مقام محاکم اداری عادی مطرح شود رئیس محکمه استیناف ایالت دادگاه ویژه مذکور را عهده دار می شود.

ت) نظارت بر محاسبات حسابداران دولتی و همچنین محاسبات تقسیمات کشوری و اشخاص حقوقی حقوق عمومی مذکور در بند الف).

ث) تصمیم گیری در مورد امکان رجوع به مرجع بالاتر در مورد دعاوی مربوط به مبلغ مستمری یا نظارت کلی بر محاسبات.

ج) تصمیم گیری در امور مربوط به مسئولیت کارکنان دولتی، کشوری یا لشگری و همچنین مسئولیت مستخدمین تقسیمات کشوری در مواردی که ایشان خساراتی را عمداً یا سهواً به دولت یا تقسیمات و اشخاص حقوقی مذکور وارد کرده باشند.

۲- صلاحیتهای دیوان محاسبات، به همان صورتی که در قانون پیشبینی شده است تنظیم و اعمال می شود. مفاد بندهای ۲ و ۳ اصل نود و سوم در مورد زیر بندهای (الف) تا (ت) بند پیشین اجرا نمی شود.

۳- شورای دولتی بر احکام دیوان محاسبات در خصوص موارد مذکور در بند انظارت ندارد.

اصل نود و نهم

۱- دادگاه ویژه متشکل از رئیس شورای دولتی، به عنوان رئیس، و همچنین یکی از مشاورین دولتی، یکی از مشاورین محکمه استیناف، یکی از مشاورین ارشد دیوان محاسبات، دو تن از استادان عادی دانشکده حقوق و دانشگاههای کشور و دو تن از وکلای عضو شورای عالی انضباطی و کلا، که همگی به طور استقراعی به عنوان اعضای دادگاه تعیین شده اند به امر استرداد خسارات وارده از سوی قاضی یا هیئت قضایی رسیدگی می کنند.

۲- فردی متعلق به مجموعه یا هیأت قضایی که تأسیس آن در فعل تا ترك فعلی که دیوان برای اظهار نظر در مورد آن تشکیل جلسه داده شرکت داشته است از ترکیب دادگاه ویژه کنار گذاشته می شود. چنانچه استرداد خسارت علیه یکی از اعضای

شورای دولتی یا یکی از قضایی عالی مقام محاکم اداری عادی مطرح شود رئیس محکمه استیناف ریاست دادگاه ویژه مذکور را عهده دار می‌شود.

۳- امر استرداد خسارات به هیچ مجوزی نیاز ندارد.

اصل صدم

۱- دادگاه عالی ویژه تشکیل و امور ذیل به عهده این دادگاه واگذار می‌شود:

الف) رسیدگی به ارجاعات به مراجع بالاتر، مذکور در اصل پنجاه و هشتم.

ب) نظارت بر اعتبار و نتایج همه‌پرسی که مطابق بند ۲ اصل چهل و چهارم انجام شده است.

پ) رسیدگی به عدم هماهنگی یا محرومیت نماینده مطابق با اصل پنجاه و پنجم بند ۲ و اصل پنجاه و هفتم.

ت) رسیدگی به تعارض صلاحیتها بین حوزه‌های قضایی و مقامات اداری یا بین شورای دولتی و محاکم اداری عادی از یک سو و محاکم مدنی و کیفری از سوی دیگر، یا، نهایتاً بین دیوان محاسبات و سایر حوزه‌های قضایی.

ث) رفع منازعات در خصوص عدم تطابق بنیادی یا معنایی مفاد قوانین رسمی با قانون اساسی، در مواردی که شورای دولتی، محکمه استیناف یا دیوان محاسبات احکامی مغایر با موضوع آنها صادر نموده باشند.

ج) رفع منازعات مربوط به ویژگی قوانین حقوق بین‌الملل که به طور کلی به رسمیت شناخته شده است مطابق بند ۱ اصل بیست و هشتم.

۲- دادگاه مذکور در بند پیشین متشکل است از رؤسای شورای دولتی، محکمه استیناف، دیوان محاسبات. و همچنین چهار نفر از مشاورین دولتی و چهار نفر از مشاورین محکمه استیناف که هر دو سال به طور استقراعی به عنوان اعضای دادگاه تعیین می‌شوند. ایالت دادگاه را به صورت ریاست سنی یکی از روسای شورای دولتی یا محکمه استیناف عهده دار می‌شود.

فصل ج)

دستگاه اداری

مبحث نخست

سازماندهی ادارات

اصل صد و یکم

۱- ادارات دولتی برای اساس نظام تمرکززدایی سازماندهی شده اند.

۲- تقسیمات اداری کشور با در نظر گرفتن شرایط ژئوآکونومیک، اجتماعی و حمل و نقل صورت می گیرد.

۳- سازمانهای دولتی غیرمتمرکز در خصوص امور حوزه خود از صلاحیت کلی تصمیم گیری برخوردارند؛ خدمات مرکزی، علاوه بر صلاحیتهای خاص جهت دهی کلی تنظیم امور را به عهده و، همان طور که قانون پیش بینی کرده است، بر سازمانهای غیرمتمرکز نظارت دارند.

اصل صد و دوم

۱- تقسیمات کشوری اداره امور نواحی را به عهده دارند، و شهرستانها و بخشهای آن در درجه اول قرار دارند. قانون سایر درجات را تعیین می کند.

۲- تقسیمات کشوری از خودمختاری اداری برخوردارند. مسئولین آنها از طریق رأی گیری همگانی و مخفی انتخاب می شوند.

۳- قانون می تواند به منظور انجام امور و ارائه خدمات اتحادیه های اجباری یا اختیاری را برای تقسیمات کشوری پیش بینی کند؛ شوراهای نمایندگان منتخب هر شهرستان یا بخشی، به نسبت جمعیت آن، اتحادیه های مزبور را اداره می کنند.

۴- قانون می تواند شرکت نمایندگان منتخب سازمانهای منطقه ای حرفه ای، علمی و فرهنگی و همچنین نمایندگان نظامی اداری دولتی را در اداره تقسیمات کشوری درجه دو را و تا تعداد یک سوم کل اعضا، پیش بینی کند.

۵- دولت سرپرستی تقسیمات کشوری را اعمال می کند اما این سرپرستی استقلال عمل و آزادی آنها را خدشه دار نمی سازد. تنبیهات انضباطی تعلیق یا تنزیل سازمانهای منتخب تقسیمات کشوری، به استثنای مواردی که تنزیل خود بخودی را بدنبال دارند، فقط پس از اعلام نظر موافق شورایی که اکثریت آن را قضاوت نهشته تشکیل می دهند، اعلام می شود.

۶- دولت بر تأمین منابع لازم برای اجرای مأموریت تقسیمات کشوری نظارت دارد. دولت چگونگی پرداخت و توزیع مالیات و حقوق دریافتی دولت به نفع تقسیمات کشوری را بین تقسیمات مزبور تنظیم می کند.

مبحث دوم

اساسنامه سازمانهاي اداري

اصل صد و سوم

۱- کارکنان دولتي مجري اراده دولت، در خدمت مردم وفادار به قانون اساسي هستند و خود را به طور کامل وقف ميهن کرده اند. قانون شرايط صلاحيت و چگونگي انتصاب ايشان را تعيين کرده است.

۲- هيچ کس را نمي توان به يك سمت سازماني که قانون تعيين ننموده است منصوب کرد. قانون خاصي مي تواند استثنائاً استخدام افرادي را با قرارداد حقوقي خصوصي براي مدت معيني به منظور رفع نيازهاي پيش بيني نشده و فوري پيش بيني کند.

۳- نياز مشاغل سازماني به نيروهاي علمي خاص يا فني يا کاردان را مي توان بامستخدمين داراي قرارداد حقوق خصوصي تأمين کرد. قانون شرايط استخدام وتضمينهايي را که فرد مستخدم از آن برخوردار است تعيين مي کند.

۴- کارکناني که يکي از سمتهاي سازماني را اشغال کرده اند. مادامي که اين سمت وجود دارد آنها هم به کار خود ادامه مي دهند و طبق قانون از حقوق و مزايای برخوردارند؛ به استثناء ترك خدمت ناشي از محدوديت سني يا اخراج به موجب تصميم قضايي به علت عدم رضاييت کارفرما، ايشان را نمي توان نه مورد تنزيل موقعيت اداري، انفصال يا اخراج بدون راي شوراي کار و نه بدون اعلام نظر مي توان آنها را جابجا کرد حداقل دوسوم اعضا آن را کارکنان مسؤل تشکيل مي دهند.

همان طور که قانون پيش بيني کرده است، تصميمات اين شورا مي توانند به طورکاملاً قضايي به شوراي دولتي ارجاع شوند.

۵- قانون مي تواند کارمندان عاليرتبه که خارج از تخصص خود به سمتي منصوب شده اند، اشخاصي که مستقيماً به عنوان سفير منصوب گرديده اند، کارکنان مقرر رياست جمهوري و هيأت دولت، وزرا و منشيان دولت را از تضمين شغلي استثنا کند.

۶- مفاد بند پيشين همچنين در خصوص کارکنان مجلس که آئين نامه مجلس نمايندگان نسبت به سايرين به طور کامل معين نموده است، و همچنين در خصوص کارمندان تقسيمات كشوري و ساير اشخاص حقوقي حقوق عمومي مجراست.

اصل صد و چهارم

۱- هیچ يك از كاركنان مذکور در اصل پيشين نمي‌تواند در سازمانی دولتي، ادارات تقسيمات كشوري يا شخصي حقيقي ديگر از حقوق عمومي يا مؤسسه‌اي دولتي يا مؤسسه انتفاعي دولتي به سمت ديگري منصوب شود. ضمن لحاظ مفاد بند پيشين، استثنائاً انتصاب به شغل دوم به موجب قانون خاصي مجاز است.

۲- هر نوع مزايا و اضافه كار كاركنان مذکور در اصل پيشين مي‌تواند از مزايای ماهانه شغل دولتي آنها در تجاوز کند.

۳- مجوز پيشين جهت احضار كاركنان دولتي و همچنين كارمندان ادارات تقسيمات كشوري يا ساير اشخاص حقيقي از حقوق عمومي لازم نيست.

فصل سوم

نظام حكومتي مونت آتوس

اصل صد و پنجم

۱- شبه جزيره آتوس كه از آغاز و پس از حكومت مگالي ويگلا سرزمين مونت آتوس را تشكيل داد، براساس اساسنامه خاص باستاني بخش مستقل از دولت يونان است البته حاكميت دولت يونان بر اين منطقه محرز است. مونت آتوس از نظر مذهبي در حوزه اقتدار مستقيم اسقف اعظم قسطنطنيه قرار دارد. همه كساني كه خواستار زندگي مذهبي هستند بايد به محض به عنوان كشيش يا روحاني، بدون عنوان ديگري، پذيرفته شدند تابعيت يوناني كسب كنند.

۲- براساس اساسنامه مونت آتوس، بيست مركز مقدس مذهبي اداره اين سرزمين را به عهده دارند و اين سرزمين كه خاكش غيرقابل واگذاري و انتقال است بين اين بيست مركز تقسيم شده است.

نمايندگان مراكز مقدس مذهبي تحت عنوان جامعه مقدس مونت آتوس را اداره مي‌كنند. هيچ كس مجاز نيست اصلاحاتي در مورد نظام اداره يا تعداد مراكز مقدس مذهبي مونت آتوس و همچنين نظم سلسله مراتب و روابط آنها با واحدهاي وابسته خود وارد نمايد. اقامت افرادي كه با عقايد كليسا موافق نيستند و افراد بي ايمان در مونت آتوس ممنوع است.

۳- بيست مركز مذهبي با شركت نمايندگان دولت مشهور قانوني مونت آتوس رامينگارند كه تعيين جزء بجز نظامهاي حكومتي آتني و شيوه عملکرد آنها را عهده دار است مينگارند و

به رأي مي‌گذارند اما اسقف اعظم قسطنطنيه يا مجلس نمايندگان يونان آن را تصويب مي‌کنند.

۴- نظارت کامل نظامهاي حکومتي آتني در زمينه مذهبي، تحت نظارت اسقف اعظم قسطنطنيه، و در زمينه اداري تحت سرپرستي دولت که منحصرأ حافظ نظم و امنيت عمومي است قرار مي‌گيرد.

۵- اختيارات دولتي مذکور را فرماندار، که حقوق و وظائف وي در قانون تعيين شده است اعمال مي‌کند.

اختيارات قضايي مسؤولين عاليرتبه مراکز مقدس مذهبي و جامعه مقدس و همچنين امتيازات گمرکي و مالياتي مونت آتوس در قانون تعيين شده است.

بخش چهارم

مقررات ويژه، نهايي و انتقالي

فصل الف

مقررات ويژه

اصل صد و ششم

۱- دولت با هدف تقويت صلح و آرامش اجتماعي و حمايت از منافع عمومي، فعاليتهاي اقتصادي را به منظور رشد اقتصادي تمامي بخشهاي اقتصاد ملي برنامه ريزي و هماهنگ مي‌کند. دولت همچنين، به منظور باروري منابع ثروت ملي ناشي از جو ولايه هاي معدني زیرزميني و دريائي و همچنين به منظور رشد توسعه منطقه اي و به ويژه اقتصاد مناطق کوهستاني، جزاير و مناطق مرزي، تدابير لازم را اخذ مي‌نمايد.

۲- عمليات اقتصادي بخش خصوصي نبايد به زيان آزادي و شرافت انساني و بدهيهاي لطمه به اقتصاد ملي رشد و توسعه يابد.

۳- با توجه به حمايت ارائه شده موضوع اصل صد و هفتم در زمينه بازگرداندن سرمايه هاي خارجي، قانون مي‌تواند شرايطي را براي بازخريد مؤسسات يا شرکت اجباري دولت يا ساير سازمانها در آن، در حدي که مؤسسات مذکور انحصاري شوند يا براي باروري منابع اقتصاد ملي اهميت حياتي يابند يا نهايتاً هدف اصلي آنها ارائه خدمات به بدنه جامعه شود، مطرح نمايد.

۴- بهاي بازخريد يا مبلغ معادل براي شرکت اجباري دولت يا ساير سازمانهاي دولتي الزاماً از طريق قضايي تعيين

می‌شود؛ این مبلغ باید کامل و مطابق با ارزش مؤسسه بازر خرید شده یا شرکت در مؤسسه مورد نظر باشد.

۵- هر سهامداری، اعم از شریک یا مالک مؤسسه، تحت نظارت دولت یا یکی از سازمان‌هایی که بدنبال شرکت اجباری به موجب بند ۳ تحت نظارت دولت است، حق دارد، همان‌طور که قانون پیش‌بینی کرده است، خواهان بازر خرید سهام خود از شرکت شود.

۶- قانون می‌تواند چگونگی شرکت کسانی را که از انجام امور دارای منافع عمومی یا واردات کلی در جهت توسعه اقتصادی کشور سود می‌برند در مخارج دولتی پیش‌بینی کند. اعلامیه تفسیری: ارزش ویژگی احتمالی انحصاری بودن مؤسسه نباید در ارزش‌مذکور در بند ۴ لحاظ شود.

اصل صد و هفتم

۱- قانون پیش از ۲۱ آوریل سال ۱۹۶۷ در خصوص سرمایه‌های خارجی، که دارای ارزش صوری تقویت شده بود، ضمن حفظ این ارزش در مورد سرمایه‌هایی که از این‌پس وارد شوند نیز به اجرا درمی‌آید.

مفاد فصول الف تا ت از بخش الف قانون شماره ۲۷۰۷۵ مربوط به مالیات کشتی‌ها، وضع مالیات برای توسعه معاملات دریایی، استقرار مؤسسات بندری بیگانه و قانون‌گذاری در زمینه‌های مربوط به هم نیز دارای همین ارزش است.

۲- قانون واحد که سه ماه پس از قابلیت اجرایی یافتن این قانون اساسی توشیح می‌شود، شرایط و نحوه نسخ یا بازنگری کلیه قراردادها یا قوانین اداری مصوب منعقد یا توشیح شده از ۲۱ آوریل سال ۱۹۶۷ تا ۲۳ ژوئیه سال ۱۹۷۴ را، ضمن اجرای مصوبه قانونی شماره ۲۶۸۷.۱۹۵۳، تا حدی که قراردادها یا قوانین مزبور به سرمایه‌گذاری سرمایه‌های بیگانه، به استثناء سرمایه‌های مربوط به ثبت کشتی‌ها تحت پروانه یونان، مربوط شود، تعیین می‌کند.

اصل صد و هشتم

حکومت بر شرایط زندگی مهاجرین یونانی و حفظ ارتباط ایشان با وطن خویش و همچنین بر آموزش و پرورش و ارتقاء اجتماعی و حرفه‌ای یونانیانی که در خارج از کشور کار می‌کنند نظارت دارد.

اصل صد و نهم

۱- اصلاح مفاد یا واژگانی از وصیتنامه، متمم وصیتنامه یا هبه ناکه در جهت منافع حکومت یا منافع عمومی باشد مجاز نیست.

۲- استثنائاً هنگامی که حکم قضایی تایید کند که به هر علتی خواست وصی یا هبه دهنده جزئاً یا کلاً نمیتواند تحقق یابد یا از رهگذر اصلاح بهره برداری از اموال به ارث گذاشته شده یا هبه بهتر بتوان خواست مزبور را تحقق بخشید، اقدام به بهره برداری یا بکارگیری بهتر آنها در جهت همان اهداف یا سایر اهداف منافع عمومی در منطقه تعیین شده از سوی هبه دهنده یا وصی یا در منطقه ای و سיעتر، همان طور که در قانون پیشبینی شده است، مجاز است.

فصل ب

بازنگری قانون اساسی

اصل صد و دهم

۱- مفاد قانون اساسی، به استثنای مفادی که احساس و شکل رژیم سیاسی یعنی جمهوری پارلمانی را تعیین میکنند و مفاد بند ۲ اصل دوم، بند ۱، ۴ و ۷ اصل چهارم بند ۱ و ۳ اصل پنجم، بند ۱ و ۲۶ اصل سیزدهم، میتوانند مورد بازنگری واقع شوند.

۲- قطعنامه صادره مجلس نمایندگان در خصوص پیشنهاد حداقل پنجاه نماینده و حداکثر سه پنجم تعداد کل اعضای مجلس هنگام دو رای گیری مجزا به فاصله حداقل یک ماه، الزام بازنگری قانون اساسی را تایید میکند. منحصراً قطعنامه مزبور مفادی را که باید بازنگری شوند تعیین میکند.

۳- هنگامی که مجلس نمایندگان پیشنهاد بازنگری را تصویب کرد، مجلس بعدی در اولین نشست خود در مورد مفادی را که باید مورد بازنگری واقع شوند با رأی اکثریت کلی اعضای خود اعلام نظر میکند.

۴- در صورتی که طرح بازنگری قانون اساسی اکثریت آرای نمایندگان به خود اختصاص دهد اما آرای سه پنجم نمایندگان، مذکور در بند ۲ را بدست نیاورد مجلس نمایندگان آلتی میتواند در اولین نشست خود، در خصوص مفادی که باید با آرای اکثریت مطلق اعضای مجلس مورد بازنگری واقع شوند اعلام نظر میکند.

۵- طرح مصوب بازنگری مفاد قانون اساسی ظرف ده روز پس از تصویب آن در مجلس نمایندگان در روزنامه رسمی چاپ می‌شود و با صدور قطعنامه‌ای از سوی مجلس مزبور قابلیت اجرایی می‌یابد.

۶- هر طرح بازنگری فقط پس از گذشت پنج سال از انجام بازنگری پیشین مجوز اجرا می‌یابد.

فصل پ

مقررات انتقالی

اصل صد و یازدهم

۱- کلیه مفاد قانونی یا مقررات اداری آیین‌نامه‌ای مغایر با قانون اساسی، به محض قابلیت اجرایی یافتن این قانون اساسی منسوخ می‌گردد.

۲- کلیه مقررات قانون اساسی مدون ۲۴ ژوئیه سال ۱۹۷۴ تا تشکیل پنجمین مجلس نمایندگان در خصوص بازنگری و همچنین مصوبات آن، حتی آن دسته از مفاد آنها که مغایر با قانون اساسی باشند، اصلاحات، موارد نسخ آنها از طریق قانون معتبر قابلیت اجرایی خود را حفظ می‌کند. از تاریخ قابلیت اجرایی یافتن قانون اساسی، مفاد اصل هشتم مجموعه قوانین اساسی مورخ ۱۹۷۴.۹.۳ در خصوص سن ترك خدمت استادان مراکز آموز عالی منسوخ می‌گردد.

۳- موارد مشروحه ذیل مجراست:

الف) ماده ۲ مصوبه شماره ۷۰۰ مورخ ۹ اکتبر سال ۱۹۷۴ «در خصوص اجرای مجدد و جزئی اصول پنجم، ششم، هفتم، دهم، دوازدهم، چهاردهم، نود و پنجم و نود و هفتم قانون اساسی و لغو قانون حکومت نظامی»؛

ب) مصوبه قانونی شماره ۱۶۷ مورخ ۱۶ نوامبر سال ۱۹۷۴ «در خصوص مجوز رجوع به به مرجع بالاتر علیه احکام محاکم نظامی»، اصلاحات و موارد نسخ آنها از طریق قانون معتبر.

۴- مصوبات مورخ ۱۶ تا ۲۹ آوریل ۱۹۵۲، از تاریخ قابلیت اجرایی یافتن این قانون اساسی، به مدت شش ماه مجرا خواهد بود. در این مدت قانوناً می‌توان مقررات اساسی و مصوبات مذکور در بند اول ماده ۳ مصوبه مذکور را اصلاح، کامل یا

منسوخ نمود؛ همچنین پس از پایان این مدت می‌توان قابلیت اجرایی برخی از مفاد آن را به طور جزئی یا کلی حفظ کرد مشروط بر اینکه مفاد اصلاح، کامل یا مفادی که قابلیت اجرایی آنها حفظ شده با این قانون اساسی مغایر نباشد.

۵- یونانیانی که تا قابلیت اجرایی یافتن این قانون اساسی، به هر نحوی از ملیت خود محروم شده‌اند همان‌طور که در قانون پیش‌بینی شده است بدنبال رای کمیته ویژه قضاات مجدداً به ملیت خود دست می‌یابند.

۶- مفاد ماده ۱۹ مصوبه قانونی شماره ۳۳۷۰ سال ۱۹۵۵ «در خصوص تصویب مجموعه قوانین مربوط به ملیت یونانی» تا نسخ قانونی آن همچنان مجراست.

اصل صد و دوازدهم

۱- چنانچه مفاد این قانون اساسی با صراحت اعلام نماید که برخی از موارد فقط از ره‌گذر توشیح قانون شکل قانونی می‌یابند، قوانین یا مجموعه قوانین اداری مجرا طبق وضعیت خود به هنگام قابلیت اجرایی یافتن قانون اساسی، به استثناء موارد مغایر با مفاد قانون اساسی، تا توشیح قانون مربوطه قابلیت اجرایی خود را حفظ می‌کنند.

۲- مفاد بند ۲ اصل صد و نهم و بند ۸ اصل هفتادونهم، از تاریخ قابلیت اجرایی یافتن قانون پیش‌بینی شده هر یک از آنها، در صورتی که قانون مزبور نهایتاً تا پایان سال ۱۹۷۶ توشیح شده باشد، به اجرا درمی‌آید. تا قابلیت اجرایی یافتن قانون پیش‌بینی شده در ماده ۲ اصل صدونهم مقررات تشکیلاتی و قانونی موجود در زمان قابلیت اجرایی یافتن قانون اساسی همچنان مجراست.

۳- براساس قانون اساسی مجرای مورخ ۵ اکتبر سال ۱۹۷۴، تعلیق انجام وظیفه استادان، از زمان انتخاب ایشان به عنوان نماینده، با توجه به نظام قانونگذاری جاری، آموزش، تحقیق، کار تألیفی یا کار علمی در آزمایشگاهها و سالنهای کار دانشکده‌های مربوطه را شامل نمی‌شود؛ با وجود این حضور ایشان در مدیریت دانشکده‌ها، به طورکلی در انتخاب اعضای هیأت علمی یا آزمونهای دانشجویان از این مقوله مستثنی است.

۴- مفاده بند ۳ ماده ۱۶ مربوط به طول دوره آموزش اجباری، به مدت پنج سال پس از قابلیت اجرایی یافتن این قانون اساسی، قانوناً و به طور کامل مجراست.

اصل صد و سیزدهم

مقررات مجلس نمایندگان و همچنین مصوبات مربوط به آن در خصوص عملکرد مجلس تا قابلیت اجرایی یافتن مقررات جدید مجلس همچنان قابلیت اجرایی خود را حفظ می‌کند؛ مفاد مغایر با قانون اساسی از این امر مستثنی است.

در خصوص عملکرد بخشهای مجلس نمایندگان که در اصول هفتاد و هفتادویکم قانون اساسی پیش‌بینی شده است، مفاد آخرین آیین‌نامه کارهای کمیسیون قانونی خاص که در اصل سی‌وپنجم قانون اساسی مورخ اول ژانویه سال ۱۹۵۲ پیش‌بینی شده است، به طور کامل و به همان صورتی که در ماده ۳ مصوبه الف مورخ ۱۹۷۴.۱۲.۲۴ پیش‌بینی شده است، اجرا می‌شود. تا قابلیت اجرایی یافتن مقررات جدید مجلس، کمیسیونی که در اصل هفتادویکم قانون اساسی پیش‌بینی شده است از شصت عضو عادی و سی عضو علی‌البدل که همگی را رئیس مجلس از بین احزاب سیاسی و گروه‌های پارلمانی به نسبت قدرت آنها برمی‌گزیند تشکیل می‌شود. مجلس با تمامی اعضای خود یا کمیسیون مطرح‌کننده سؤال، در خصوص کلیه اعتراضات مربوط به مفادی که باید در وضعیت معینی اجرا شوند و کلیه اعتراضاتی که موجب انتشار مقررات جدید مجلس می‌شوند نظر خود را اعلام می‌کنند.

اصل صد و چهاردهم

۱- انتخابات اولین رئیس جمهور نهایتاً باید ظرف دو ماه پس از انتشار این قانون اساسی، در نشست خاص مجلس نمایندگان که رئیس آن اعضای مجلس را حداقل پنج‌روز پیش‌تر به تشکیل جلسه فراخوانده باشد، انجام خواهد شد؛ مقررات مجلس در امرانتخاب رئیس مجلس همزمان به روش مشابه انجام می‌گیرد. رئیس جمهور منتخب بلافاصله پس از ادای سوگند انجام وظیفه خود را آغاز می‌کند؛ مراسم تحلیف حداکثر پنج روز پس از انتخابات انجام می‌شود.

قانون پیش‌بینی شده در بند ۵ اصل چهل‌ونهم در خصوص تقنین مسایل مربوط به مسئولیت رئیس جمهور باید تا تاریخ ۳۱ دسامبر سال ۱۹۷۵ توشیح شود.

تا زمان قابلیت اجرایی یافتن قانون پیش‌بینی شده در بند ۳ اصل سی و سوم مقررات مربوط به رئیس‌جمهور دوران عدم تصدی سمت ریاست جمهوری مفاد مذکور در این قانون را نیز شامل می‌شود.

۲- از زمان قابلیت اجرایی یافتن این قانون اساسی تا زمانی که رئیس‌جمهور منتخب عهده‌دار انجام وظایف خود شود، رئیس‌جمهور دوران عدم تصدی ریاست‌جمهوری اختیاراتی را که قانون اساسی برای رئیس‌جمهور به رسمیت شناخته است و محدودیتهای پیش‌بینی شده در ماده دوم مصوبه ب مورخ ۱۳۲۴.۱۲.۱۹۷۴ در پنجمین نشست مجلس نمایندگان در امر بازنگری قانون اساسی، اعمال می‌کند.

اصل صد و پانزدهم

۱- مقررات مجرای مربوط به تعقیب، بازپرسی و آراء فعل یا ترك فعل مذکور در بند ۱ اصل چهل و نهم و هشتاد و پنجم، تا توشیح قانون پیش‌بینی شده در بند ۱ اصل هشتاد و ششم اجرا می‌شود.

۲- قانون پیش‌بینی شده در اصل صدم باید حداکثر ظرف یک سال پس از قابلیت اجرایی یافتن قانون اساسی توشیح شود. تا توشیح قانون مزبور و عملکرد دیوان عالی خاص که بر اساس قانون اساسی تأسیس شده است موارد مشروحه ذیل انجام می‌گیرد:

الف) کلیه اختلافات مربوط به بند ۲ اصل پنجاه و پنجم و اصل پنجاه و هفتم بامصوبات مجلس نمایندگان مطابق با مفاد آیین‌نامه داخلی مجلس در امر مشکلات شخصی حل و فصل می‌شود.

ب) دیوان عالی خاص که در اصل هفتاد و سوم قانون اساسی اول ژانویه سال ۱۳۵۲ پیش‌بینی شده است نظارت کاملی را بر اعتبار و نتایج همه‌پرسی که طبق بند ۲ اصل چهل و چهارم انجام گرفته است و همچنین احکام صادره علیه اعتبار و نتایج انتخابات مجلس که در اصل پنجاه و هشتم پیش‌بینی شده است اعمال می‌کند؛ به علاوه مشی‌پیش‌بینی شده در اصل صد و شانزدهم و در پی مصوبه ریاست جمهوری به شماره ۶۵ مورخه ۱۳۷۴ فعلاً مجراست.

پ) رفع تعارض اختیارات، مذکور در قسمت ۵) بند ۱ اصل صدم، در صلاحیت محاکم تعارضات سازماندهی، عملکرد و آیین دادرسی این محکمه موقتاً قابلیت اجرایی خود را حفظ می‌کند.

۳- تا قابلیت اجرایی یافتن قانون پیش‌بینی شده در اصل نودونهم رسیدگی به جبران خسارت از سوی قضات یا هیأت قضایی طبق مفاد اصل صدودهم قانون اساسی اول ژانویه سال ۱۹۵۲ برعهده محکمه پیش‌بینی شده در اصل صدودهم مذکور و طبق آیین دادرسی مجرا در زمان انتشار این قانون اساسی است.

اصل صد و شانزدهم

۱- مقررات مجرای مغایر با بند ۲ اصل چهارم تا زمانی که قانونی آنها را منسوخ‌نماید و نهایتاً یا ۳۱ دسامبر سال ۱۹۸۲ کماکان مجرا خواهند ماند.

۲- فقط دلایل درست و در شرایط مصرح پیش‌بینی شده در قانون می‌توانند موجب‌نسخ احکام بند ۲ اصل چهارم گردند.

۳- مصوبات وزارتی مربوط به آیین نامه و همچنین مفاد کنوانسیون‌های جمعی یا احکام داورى مربوط به تدوین آیین‌نامه اجرت کار، مغایر با مفاد بند ۱ اصل دوم کماکان تا جابجایی آنجا که باید حداکثر ظرف سه سال پس از قابلیت اجرایی یافتن این قانون اساسی کماکان مجرا خواهند ماند.

اصل صد و هفدهم

۱- قوانینی که تا ۲۱ آوریل سال ۱۹۶۷ با اجرای اصل صدوچهارم قانون اساسی اول ژانویه سال ۱۹۵۲ توشیح شده‌اند به مثابه قوانین مغایر با این قانون اساسی تلقی‌نمی‌شوند و کماکان مجرا خواهند بود.

۲- برخلاف اصل هفدهم تدوین آیین‌نامه و فسخ قانونی رعایا و سایر مخارج موجود، بازخرید املاک دارای اجاره طویل‌المدّه و همچنین فسخ و تدوین آیین‌نامه روابط حقوق واقعی از نوع خود مجاز شناخته می‌شود.

۳- جنگلهایی که جزء اموال دولتی محسوب می‌شوند و جنگلهای خصوصی و محیط‌های جنگلی که بر اثر آتش‌سوزی یا به هر نحو دیگری تخریب یا فاقد پوشش گیاهی شده‌اند یا احتمالاً بشوند ویژگی مکسوب خود پیش از تخریب را از دست‌نمی‌دهند و الزاماً منطقه ایجاد جنگل اعلام می‌شود و بکارگیری آنها برای هر هدف دیگری ممنوع است.

۴- براساس اصل هفدهم مصادره جنگل‌ها و محیط‌های جنگلی متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی از حقوق خصوصی یا عمومی منحصرأً برای دولت و به علل منافع عمومی مجاز است، در حالی که خصوصیت جنگل بودن آنها کماکان لایتغیر است.

۵- تا تنظیم قوانین مجرای مربوط به مصادره اموال با مفاد این قانون اساسی تنظیم شوند. مصادره‌هایی که انجام شده‌اند یا انجام می‌شوند مشمول مقررات مجرا در زمان اعلام مصادره می‌گردند.

۶- بندهای ۳ و ۵ اصل بیست و چهارم در مورد مناطق مختص به شهرنشینی، اعم از مناطقی که به این عنوان به رسمیت شناخته شده‌اند یا مناطقی که برای این امر در نظر گرفته شده‌اند، از زمان قابلیت اجرایی یافتن قوانین پیش‌بینی شده در این خصوص به اجرا درمی‌آید.

اصل صد و هجدهم

۱- از زمان قابلیت اجرایی یافتن قانون اساسی، صاحب‌منصبان قضایی در رده رئیس محکمه استیناف یا دادستان کل محکمه استیناف و همچنین کلیه کسانی که در رده مشابه یا بالاتر قرار دارند با شرایط مجرای فعلی، به محض رسیدن به شصت‌سالگی از کار کنار گذاشته می‌شوند؛ محدوده سنی مزبور از سال ۱۹۷۷ تا شصت و هفت سالگی هر سال یک سال کاهش می‌یابد.

۲- صاحب‌منصبان بلند پایه قضایی که در زمان قابلیت اجرایی یافتن قانون ۴۰۵ سپتامبر سال ۱۹۷۴ «در خصوص استقرار نظم و حسن انجام وظیفه در دادگستری»، مشغول به کار نبوده‌اند و مورد تنزیل ناشی از این قانون به علت فرار رسیدن زمان ترفیعات قرار گرفته‌اند و هیچ پدگرد انضباطی علیه آنان انجام نگرفته است، وزیر ذی‌صلاح ایشان را الزاماً ظرف سه ماه پس از قابلیت اجرایی یافتن این قانون اساسی به شورای عالی انضباطی احضار می‌کند.

شورای عالی انضباطی نظیر خود را در خصوص این امر که آیا شرایطی که ترفیعات در آن شرایط انجام شده‌اند شخصیت و موقعیت شخصی مورد ترفیع را خدشه دار ساخته است، اعلام می‌دارد؛ شورا همچنین در خصوص استفاده یا عدم استفاده مجدد از رتبه‌های از دست داده شده و کلیه حقوق مترتب بر آن، دستیابی به حقوق و مزایا یا مستمری ممنوع شده پیشین، نظر قطعی خود را اعلام می‌دارد. تصمیم ظرف سه ماه پس از ارجاع اخذ می‌گردد.

بستگان درجه اول و در قید حیات صاحب‌منصب مورد تنزیل یا متوفی می‌توانند کلیه حقوقی را که برای اشخاص مورد محاکمه در شورای عالی انضباطی به رسمیت شناخته شده اعمال نمایند.

۳- تا توشیح قانون پیشبینی شده در بند ۳ اصل صدویکم، مفاد مجرا در خصوص توزیع صلاحیتها بین دفاتر خدمات رسانی مرکزی و خارجی کماکان به اجرا درمی آید. مفاد مزبور می‌توانند در جهت گذر از صلاحیتهای خاص دفاتر خدمات رسانی مرکزی به دفاتر خدمات رسانی خارجی اصلاح شوند.

اصل صد و نوزدهم

۱- قانون می‌تواند ختم عدم ارجاع با نسخ مخالف قوانین اداری تدوین شده بین ۲۱ آوریل سال ۱۹۶۷ تا ۲۳ ژوئیه سال ۱۹۷۴ را، هر چند ارجاع مزبور عملاً دنبال شده باشد یا نه، لغو نماید، ضمن نفی واریز مجدد حقوق و مزایا برای کسانی که احتمالاً دریافت کرده اند.

۲- افراد نظامی یا کارمندان دولت که قانوناً در سمتهای دولتی که پیشتر اشغال کرده بودند ابقا می‌شوند می‌توانند، در صورت احراز سمت نمایندگی، ظرف هشت روز بین‌نماینده‌گی مجلس و سمت مذکور یکی را برگزینند.

فصل ت

مقررات نهایی

اصل صد و بیستم

۱- رئیس مجلس این قانون اساسی که مورد تصویب پنجمین مجلس نمایندگان یونان برای بازنگری قرار گرفته است را امضا و رئیس‌جمهور و در صورت غیبت ایشان از طریق مصوبه دولتی به امضای شورای وزیران در **روزنامه رسمی** به چاپ می‌رسد؛ قانون اساسی مزبور از تاریخ ۱۱ ژوئن سال ۱۹۷۵ قابلیت اجرایی می‌یابد.

۲- احترام به قانون اساسی و قوانین منطبق بر آن و همچنین رشد میهن و جمهوری وظیفه بنیادین یونانیان را تشکیل می‌دهد.

۳- دستیابی غیرقانونی به حکومت بر مردم و اختیارات ناشی از آن، از زمان استقرار مجدد قدرت مشروع که احکام مربوط به این جنایت به سرعت انتشار می‌یابد موجب پیگرد می‌شود.

۴- لحاظ قانون اساسی بر روحیه وطن‌پرستی یونانیان واگذار شده؛ ایشان حق و وظیفه دارند در مقابل هر کس که با خشونت اقدام به زیر پا گذاشتن قانون اساسی بکنند مقاومت کنند.